



۲۸ صفحه
قیمت ۲۵ ریال

کارگر

تیربون آزاد مردم زحمتکش

سردبیر: بابک زهرانی

۲۸ قیر ۱۳۵۸

شماره ۸

زنده باد مجلس مؤسسان

سرمقاله
صفحه ۲

آنچه در مورد قانون اساسی باید بدانید

• قانون اساسی پیشنهادی: ادامه حکومت سرمایه‌داری یا استقرار جمهوری کارگران و کشاورزان

صفحه ۸

• قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آزادی‌های سیاسی و مدنی خط بطلان می‌کشد

صفحه ۱۱

• قانون اساسی پیشنهادی راه ادامه مبارزه علیه امپریالیسم را مسدود می‌کند

صفحه ۱۳

• قانون اساسی جدید: حقوق دموکراتیک برای سربازان یا خودکامگی تیمسارها

صفحه ۱۵

• قانون اساسی جمهوری اسلامی و صنایع، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه

صفحه ۱۶

• در قانون اساسی جمهوری اسلامی دهقانان از قلم افتاده‌اند

صفحه ۱۸

• قانون اساسی جمهوری اسلامی حق تعیین سرنوشت خلق‌های تحت ستم را تضییع می‌کند

صفحه ۲۰

• قانون اساسی جدید جواز دفن آزادی‌زنان است

صفحه ۲۱



سخنی با خواننده

این شماره از هفته نامه سوسیالیستی کارگر بصورت ویژه نامه بررسی قنانسون اساسی پیشنهادی و دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی و منجمله ۱۵ تن از اعضا حزب کارگران سوسیالیست که در اهواز زندانی هستند، منتشر می شود. بدین جهت اخبار و تحلیل های دیگر درباره مبارزات کارگران، همافران، وقایع اخیر کردستان و همچنین نامه های خوانندگان در این شماره منعکس نشده است.

در طی چند روز گذشته مبارزه و حصن وسیع همافران در صدر اخبار بوده است. همچنین مبارزه دهقانان کردستان علیه دسیسه های زمینداران بزرگ و ایادی مسلح آنان و حملات مستقیم دولت به دهقانان کرد، از اهم وقایع جدال طبقاتی در هفته های گذشته بود.

در شماره آینده کارگر که بصورت شماره معمولی و هفتگی این نشریه چاپ خواهد شد، ما اخبار، مبارزات و خواست های همافران، اخبار و تحلیل مبارزات کارگران را در اختیار خوانندگان خواهیم گذاشت.

ما همچنین مصاحبه مفصلی با یکی از سوسیالیست های انقلابی کرد که خود شاهد عینی وقایع اخیر کردستان بوده است انجام داده ایم که در شماره آینده کارگر درج خواهد شد.

در طی چند هفته گذشته ما نامه های بسیاری از خوانندگان و علاقمندان کارگر دریافت کرده ایم که بعلافت تعداد صفحات این شماره از چاپ آنها معذوریم از شماره آینده بسیاری از این نامه ها را به ترتیب چاپ خواهیم کرد.

لایحه انتخابات مجلس خبرگان که در نشریات کشور انتشار یافته چارچوب جدیدی از جمله دولت موقت به حقوق دموکراتیک و حاکمیت مردم برای تعیین حکومت و قانون اساسی جدید را ارائه کرده است.

این لایحه هم حقوق دموکراتیک توده مردم (رای دهندگان) و هم حقوق دموکراتیک احزاب و نیروهای سیاسی (انتخاب شوندهاگان) را محدود کرده و پایمال می کند. سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار این لایحه را آنچنان طرح کرده اند که علی رغم اینکه اقلیت ناچیزی را در جامعه تشکیل می دهند، تمام این مجلس را به نمایندگان خود اختصاص دهند.

این لایحه در هشت فصل و ۴۱ ماده، انحصار کامل سیاسی سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در این مجلس از قبیل تعبیه کرده است.

از طریق فقط ۷۵ نماینده برگزیده شدن اکثریت آرا و نظریات مردم در این مجلس محدود و غیرممکن گشته است.

شرایط انتخاب شوندهاگان، حق شرکت احزاب مختلف را محدود کرده و شرکت تمام نیروهای کارگری و سوسیالیستی را در انتخابات این مجلس نفی می کند. ماده ۷ این لایحه می گوید که انتخاب شوندهاگان باید "جمهوری اسلامی را قبول داشته و بدان وفادار باشند" همه نیروهایی که مخالف این رژیم سرمایه داری هستند، از حق آزادی بیان و تبلیغات، از حق جلب اکثریت مردم به چشم انداز لغو سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، محروم گشته اند. حق کارگران و توده عظیم مردم زحمتکش یعنی اکثریت قاطع مردم برای تشکیل حکومت خود، یعنی جمهوری کارگران و دهقانان منوع گشته است. بدین ترتیب، سرمایه داران و زمینداران تحت لگوای

در این شماره:

- ۲ زنده یاد مجلس مؤسسان
- ۳ زندانیان سیاسی انقلابی را آزاد کنید
- ۳ دهها هزار نفر برای آزادی سعادت بی راه پیمائی کردند
- ۴ سوسیالیست های زندانی را آزاد کنید
- ۴ خواست های سوسیالیست های زندانی
- ۵ آزادی یکی از سوسیالیست ها
- ۵ در دفاع از ۱۵ نفر چه می توان کرد
- ۶ حمایت بین المللی برای آزادی سوسیالیست های زندانی
- ۶ زندانیان سوسیالیست دست به اعتصاب غذا زدند
- ۷ مادر رضائی ها: سعادت بی راه را آزاد کنید
- ۷ مبارزین صنعت نفت را آزاد کنید
- ۸ آنچه در مورد قانون اساسی باید بدانید
- ۸ قانون اساسی پیشنهادی: ادامه حکومت سرمایه داری یا استقرار جمهوری کارگران و کشاورزان
- ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آزادی های سیاسی و مدنی خط بطلان می کشد
- ۱۳ قانون اساسی پیشنهادی راه ادامه مبارزه علیه امپریالیسم را مسدود میکند
- ۱۵ قانون اساسی جدید: حقوق دموکراتیک برای سربازان یا خودکامگسی تیمسارها
- ۱۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و صنایع، بانک ها، شرکت های بیمه
- ۱۸ در قانون اساسی جمهوری اسلامی دهقانان از قلم افتاده اند
- ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم را نقض می کند
- ۲۱ قانون اساسی جدید جواز دفن آزادی زنان است
- ۲۶ دو نامه از سوسیالیست های زندانی در زندان کارون اهواز
- ۲۸ گرد همائی وزرات امور خارجه: مانور برای لغو قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی

زندانیان سیاسی انقلابی را آزاد کنید

حفاظت از آن دوباره پلیس، زندان، شکنجه و تیرباران بخدمت گرفته شود. بر نظامی که پایه اساسی آن بر منفعت جویی استوار گشته خط بطلان کشیده شده. رفاه، آزادی، پیشرفت، برابری و در رفاه سوسیالیسم در سرلوحه کار قرار گیرد. حاکمه می‌داند که هر روز که کارگران و زنجانشان عملکرد نظام غیر انسانی سرمایه را می‌بینند، بیشتر و بیشتر بی‌مبندگی پس عوام‌فریبی‌ها و صدها های گوناگون، منافع، مالکیت و سود جویی‌های سرمایه‌داری شکم‌گنده نهفته است که برای خفه کردن صدای آنها طناب دار را چرب می‌کنند. سجاهد را شکنجه می‌کنند، ۱۵ سوسیالیست را در زندان می‌اندازند، ولی نقشه چهره‌هایشان بمراتب از اینها فراتر می‌رود. سزای در ایران می‌تواند چند روزی را با وسعت و عوام‌فریبی بسز آورد. حتی میتوان زندان و شکنجه را با توسل به "مصالح عمومی" برای مدتی توجیه کند. ولی سرمایه‌داری در ایران نمی‌تواند بدون زندان، قصر، قزل قلعه و تهرانی‌ها و آرش‌ها بیاورد.

سرمایه داری در ایران هیچگاه زندگان شکنجیده، همیشه زندانیان بوده است. قیام بهمن ماه بود که درهای زندان‌ها شکست و ده‌ها هزار نفر از بهترین جوانان ما را آزاد کرد. انقلاب بود که دره‌ها باستیل‌های ایران را گشود. هیئت حاکمه سرمایه داری نمی‌تواند آن چیزهایی را که بخاطرش توده زندانی داد، شکنجه و تیرباران شد به مردم بدهد. برای همین است که به این زودی دستگاه های زندان و

های نظامی، مرکز بر شکنجه و تیرباران.

شاید مصلحتی در کار است که محمد رضا سعادت را شکنجه داده‌اند. ۵ ماه پس از سرنگونی رژیم اعدام و شکنجه و شکنج الکتریکی که بی‌جهت کسی را دوباره به سیاهچال‌ها نمی‌فرستند. و دقیقاً هم چنین است. مصلحتی در کار است.

مصلحت حفظ نظام سرمایه داری در غیاب رئیس تاج بر سر آن، لازم می‌آورد تا دوباره اختناق در تمام ابعاد آن یعنی سانسور سرکوبی، زندان و شکنجه و تیرباران استقرار یابد. دزد مسلح سرگردنه را از زمین ببرید ولی هنوز دزدی بر سرگردنه‌ها را قانونی اعلام کنید. دزدان سرگردنه دوباره پدیدایشان می‌شود. اولی با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند ولی دوباره همان بساط رعب و وحشت بر سرگردنه برپا خواهد شد.

سرمایه داری در تمام جهان بیشتر و بیشتر به استبداد، اختناق متوسل می‌شود. شکنجه بعنوان تاریکترین نقطه سیاست جهان بیشتر و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرمایه‌داری دیگر در هیچ‌کجای جهان قادر نیست رفاه، آزادی و پیشرفت را به بشریت ارزانی دارد. همه جا در مقابل انتظارات توده های محروم که دیگر پیشرفت های صنعت و تکنولوژی قادر نیست از زندگی فلاکت بار نجاتشان دهد، به حکومت های نظامی، زندان و شکنجه متوسل می‌شود. سرمایه داری در ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست.

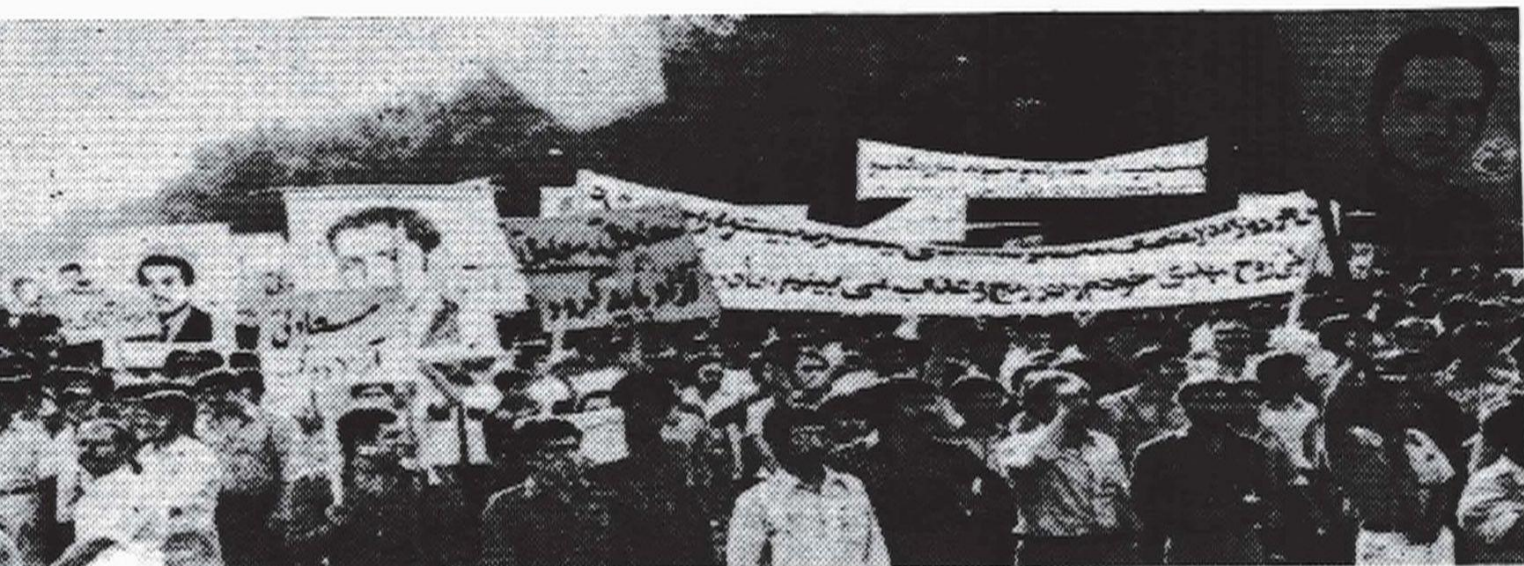
انقلاب ایران سر صمودی غشود را می‌بیماید و در هر قدم این شوال اساسی را مطرح می‌کند که آیا باید مالکیت سرمایه‌داران و زمینداران سرمایه دار محفوظ بماند و برای

محمد رضا سعادت را در زندان شکنجه کرده‌اند. این حقیقتی است که برهم تمام دستگاه های تبلیغاتی هیئت حاکمه، برهم همه تلمیحات زهرآگین درباره این سجاهد اسیر و برهم همه بیخ و داد های گروه های دست راستی در خیابان‌ها، دارد. بسیاری از مردم آشکار می‌شود. دارد معلوم می‌شود که دوباره می‌خواهند بساط دستگیری و پرونده سازی و شکنجه شهروندان این مملکت را بخاطر اینکه عقایدشان با نظریات هیئت حاکمه جور در نمی‌آید برای بیاندازند. دارد معلوم می‌شود که هیئت حاکمه جدید تحمل اینرا ندارد که کسی حقیقت را بگوید و برای خاموش ساختن صدای مخالف نیز وسیله دیگری جز زندان، کابل و شلاق در اختیار ندارد.

محمد رضا سعادت، ۱۵ عضو حزب کارگران سوسیالیست، ۳ نفر از رهبران اعتصابات پر شکوه شرکت نفت در زمان شاه سابق، بسیاری از مبارزین خلق عرب، اینها کسانی هستند که مورد غضب هیئت حاکمه قرار گرفته‌اند. همه بدون هیچگونه اتهام رسمی هفته‌هاست که در زندان بسر می‌برند و تحت شکنجه روحی و حتی جسمی قرار گرفته‌اند. تنها "اتهامی" که علیه این مبارزین شنیده می‌شود توسط گروه های دست راستی، مرکز از اوپاش اجبر شده در خیابان‌ها است که فریاد می‌زنند "جاسوس شوروی اعدام باید گردد".

این وقایع تنها ۵ ماه پس از سقوط سلطنت اتفاق می‌افتد. قبل از آن برای بیش از یکسال میلیون ها نفر از مردم ایران در خیابان‌ها فریاد می‌زدند مرکز بر شاه و مقصودشان این بود که مرکز بر خود کامگی، ویران باد زندان‌های سیاسی، مرکز بر دادگاه.

دهها هزار نفر برای آزادی سعادت راه پیمائی کرد



صحنه ای از راه پیمائی دهها هزار نفری برای آزادی سعادت در تهران

شنیده می‌شد، این بود: "توطئه آمریکایی دسیسه ارتجاع، افشا باید گردد - سجاهد خلق ما، رزمنده انقلاب آزاد باید گردد" "وای به روزی که شود آشکار - نقش تو را مرتجع جیره خوار" در طی این راه پیمائش و گرد هم آیی در دادگستری، افشاد گروه ها و احزاب مختلف همبستگی خود را در مبارزه برای آزادی سعادت اعلام کردند. جمله حزب کارگران سوسیالیست طی پیامی دستگیری و شکنجه سعادت را محکوم نمود

می‌کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: "ارتجاع بجای نصیری، تهرانی، آرش، جلادان ساواک، سعادت فرزند انقلابی خلق را شکنجه می‌کند" "ما خواستار آزادی سجاهد خلق محمد رضا سعادت و افشای توطئه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع علیه انقلاب ایران هستیم" "ارتجاع داخلی دشمن انقلاب است" "تهدمت جاسوسی شیوه شاه برای بد نام کردن انقلابیون بود" از جمله شعارهایی که در تظاهرات

به نیال دستگیری و شکنجه محمد رضا سعادت عضو سازمان سجاهدین خلق ایران توسط کمیته سفارت آمریکا تظاهرات و راه پیمائی های گسترده ای برای آزادی او از طرف سازمان سجاهدین خلق ایران در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم تیرماه برگزار شد. بزرگترین راه پیمائی روز سه شنبه ۱۲ تیر برگزار شد که در آن نزدیک به یکصد هزار نفر شرکت کردند. در طی این راه پیمائی ها تظاهرات کنندگان پلاکاردهایی نیز با خود حمل

سوسیالیست‌های زندانی را آزاد کنید

حمید شهرانی، فاطمه فلاحی، مهسا هاشمی، امید میربهاء، محمدپور کبوز، مصطفی سیف آبادی، مصطفی ترک زاده، مرتضی ترک زاده،

هرمز زهرانی، محمود کفانی، کامبیز لاچوردی، کیانوش مهدوی، هادی ادیب مرادی، فریوز فرزین پور، علی هاشمی را آزاد کنید



شرکت کنندگان در کنفرانس مطبوعاتی دفاع از سوسیالیست‌های زندانی. از راست به چپ: بابک زهرانی، غلامحسین ساعدی، احمد شاملو

بدنبال دستگیری ۹ نفر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اهواز که اکنون قریب یکماه است در زندان بسر می‌برند، ۷ تن دیگر از اعضای این حزب در اهواز که برای آزادی همزمان خود دست به جمیع آوری امضاء و پخش اعلامیه اعتراضی نموده بودند در روز شنبه ۲ تیر دستگیر شدند. بدسر ترتیب اکنون ۱۶ تن از رهبران و اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اهواز در زندان بسر می‌برند. در روز ۳ تیر یک کنفرانس مطبوعاتی از طرف حزب کارگران سوسیالیست در تهران برگزار شد و اخبار این دستگیرها در اختیار نمایندگان مطبوعات قرار گرفت. در این کنفرانس علاوه بر در تن از رهبران حزب یعنی هرمز رحیمی‌بان و بابک زهرانی - نویسندگان، احمد شاملو و غلامحسین ساعدی و همچنین آقای اسماعیل زاده و کیل حماد شیبانی، صحبت نمودند و اعتراضات خود را علیه دستگیری‌های جدید و علیه وجود زندانیان سیاسی ابراز داشتند.

تعداد زیادی از روزنامه‌های پرتیراژ کشور و مجلات هفتگی و برخی خبرنگاران خارجی در این کنفرانس شرکت کردند و فردای آنروز گزارش آن در اکثر روزنامه‌ها درج گردید.

رحیمی‌بان: دستگیری بخاطر ابراز عقیده

در آغاز هرمز رحیمی‌بان دبیر سراسری حزب کارگران سوسیالیست گزارشی در باره علت و چگونگی این دستگیری‌ها به حضار داد و گفت: "بدنبال دستگیری ۹ نفر که تقریباً سه هفته از بازداشت آنها میگذرد، حزب کارگران سوسیالیست در اهواز در نقاط دیگر کشور یک فعالیت دفاعی گسترده را در اعتراض به دستگیری ۹ نفر آغاز کرد. و این فعالیت مؤثر واقع شد بطوریکه تعداد زیادی از استادان، پزشکان، پرستاران، دانشجویان، سربازان و اهالی شهر اهواز و اطراف آن، خواستار آزادی ۹ سوسیالیست شدند. روز شنبه ۲ تیر، ساعت شش صبح، در حالیکه عده‌ای از هواداران حزب در مقابل شرکت نفت از کارکنان صنعت نفت امضاء جمع می‌کردند، عده‌ای از ارادال و اوپا به آنان حمله می‌کنند و آنها را متوجه می‌سازند و کامبیز لاچوردی عضو حزب که از تهران برای انجام این مبارزه دفاعی به اهواز رفته بود توسط کمیته اهواز دستگیر میگردد. و بعد افراد کمیته همانروز صبح ۶ نفر دیگر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست را دستگیر می‌نمایند. و تقریباً رفتاری این عده و مادامیکه از دستگیرشدگان به ستاربان دادستان دادسرای انقلاب اسلامی اهواز مراجعه می‌کنند او اظهار بی‌اطلاعی مینماید. و کمیته مرکزی امام نیز در اهواز با وجود شواهد متعدد دی که به این جریان گواه میدهند، اظهار بی‌اطلاعی مینماید."

هرمز رحیمی‌بان افزود: "این دستگیری‌ها نقطه عطف مهمی است در حمله به حقوق دموکراتیک که در کشور ما انجام میشود. تنها جرم ۹ نفر که سه هفته پیش دستگیر شدند داشتن عقاید سوسیالیستی بود. ستاربان ادعا می‌کنند که مدارکی علیه آنان در دست دارد و آنها مرتکب توطئه برای منحل کردن ارتش اسلامی و شوراندن سربازان شده‌اند. در حقیقت مواضع آنها در دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق عرب و در ضرورت وجود دموکراسی در داخل ارتش علت دستگیری

و دسته‌هایی که راه می‌بندازند در خیابان و غیره. تصمیمات جدی گرفته شده. درخوزستان یک حرکت برای پاکسازی محیط از نیروهای چپ به چشم میخورد.

ساعدی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: "فقط مسئله ۱۶ نفر از حزب کارگران سوسیالیست و یا ۲ نفر از گروه دیگر نیست. وسیعتر از آنست، تنها راه چاره هم مقاومت شدید در مقابل با این قضیه است. بنظر بنده فقط به انشاگری نباید پرداخت. دولت سکوت می‌کند و هیچ چیز نمی‌گوید. کدام دستگاه قدرت و حکومتی همیشه سکوت می‌کند. مگر دستگاه قبلی سکوت نمیکرد و راجع به هیچ چیز حرف نمیزد. توضیح نمیداد. برای اینکه واقعا وقتی که از مردم میترسند نخواهند حقایق روشن بشه. در مقابل هر چیز سکوت می‌کنند. گرفتن همه این جوانهای مبارز و عده دیگر هیچ دلیل و سند و مدرکی نمیتواند بر علیه آنها ارائه بدهند. اصلا بعد از انقلاب که با این کیفیت بوجود آمده ما نباید زندانی سیاسی داشته باشیم. هیچکس را بخاطر عقیده و بخاطر حرفی که زده یا چیزی که نوشته نباید بگیرند. الان انسان در مقابل یک چیزی بی‌شکلی قرار گرفته. بپسواز یکجا فوران میزند و حمله می‌کند. و هیچ ابایی و مسئولیتی هم نیست. و بظاهر میگویند گروه‌های مخالف در صورتیکه دارو دسته‌های از پیش تربیت داده شده است..."

ساعدی در پایان از همه مبارزین و آزاد بخوان خواست که برای آزادی دستگیر شدگان متحد عمل کنند. او گفت در مقابل این قضیه مطلقاً نباید ساکت نشست. مطلقاً برای اینکه همان صبر انقلابی که آنها می‌گویند کار آمد را میسازد. وظیفه هر آدم واقعا آزاد بخواد، هر انسان شریف و مبارز در شرایط فوری شکل است باید همه دست همدگر را بگیرند تا در مقابل این فالانزیم و این نوع تروریسم و ایجاد اصابات و وحشت مقاومت و ایستادگی کرد. اینکار وظیفه تمام افراد است و مطلقاً نباید کوتاهی کرد...

بابک زهرانی: دستگیری هائشان میدهد که این رژیم هم شرقی است و هم غربی

پس از سخنان ساعدی، بابک زهرانی سردبیر هفته نامه سوسیالیستی کارگر، سخنانی به این شرح ایراد کرد:

"در هفته است که قانون اساسی جدید را مطرح کرده‌اند. قانون اساسی قدیم توسط یک ربوبش جدید در متن بسیار بدتر و محتوی محدودتر از نقطه نظر حقوق دموکراتیک ارائه شده است. و دستگیری اعضای حزب کارگران سوسیالیست که تعداد آنها اکنون به ۱۶ نفر رسیده است بنظر ما بازگشت به دوران زندان نماند. نظامی رژیم پهلوی را دوباره تکرار می‌کنند. دلایل این دستگیری‌ها بسیار روشن است: عضویت در حزب کارگران سوسیالیست. ما از مدتها قبل گفتیم پیشنهادات حزب کارگران سوسیالیست در رابطه با حل مسائل اساسی جامعه ایران، حل مسائل اساسی که توده عظیم مردم با آن مواجه هستند، حداقل دو برابر پیشنهادات رژیم فعلی در میان توده‌ها هوادار دارد. اگر توده مسرودم بتوانند بطور دموکراتیکی این مسائل را بحث کنند از صنایع گرفته تا کشاورزی تا مسکن

با حکومت فعلی و قانون اساسی در جامعه پیاده میشود. هیئت حاکمه تصمیم به پایمال کردن حقوقی گرفته که مردم ایران سالها برای آن جنگیده‌اند."

غلامحسین ساعدی: مانعاید زندانی سیاسی داشته باشیم

بعد از گزارش فوق غلامحسین ساعدی عضو کانون نویسندگان که خود از زندانیان سیاسی زمان شاه بود، سخنانی علیه حمله به آزادی بیان و عقیده و احزاب ایراد کرد و گفت: "مسئله مال امروز و دیروز نیست و مال حزب کارگران سوسیالیست نیست. مسئله ارباب است که از هفته اول و دوم بعد از انقلاب شروع شده. نمونه کامل آنسرا در صحبت‌های قطب زاده میشد دید که هفته اول گفته بود فقط یک هفته اجازه بدهید سانسور در تلویزیون باشد و بعد لغو میشه و بپخته شد یکماه. تهدید و ارباب ترساندن از روزهای اول بود. بند ریج ۴۱ نفر از فدائیان را گرفتند، پاره کردن روزنامه‌ها، دار

خواسته‌های سوسیالیست‌های زندانی

- ۱) ۹ نفر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست در روزهای ۹، ۱۰، ۱۱ خرداد ماه و متعاقب آن ۷ نفر دیگر توسط کمیته امام اهواز دستگیر شدند. این عده بدون مجوز، بدون اینکه اتهامات علیه شان روشن شود، بدون اینکه بتوانند از حق داشتن وکیل مدافع برخوردار باشند و یا آزادانه با خانواده‌های خود ملاقات کنند همچنان در زندان نگهداشته شده‌اند. در میان آنان خانم مهسا هاشمی، فاطمه فلاحی از خونریزی شدید داخلی رنج می‌برند ولی مقامات مسئول از انتقال آنان به بیمارستان جلوگیری نمودند.
- ۲) کلیه روشهایی که مقامات بکار برده‌اند نقض ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک است.
- ۳) اتهامات را بعد از یکماه هنوز روشن نکرده‌اند، حال آنکه حتی مطابق قانون اساسی جدید هم اتهامات باید پس از ۲۴ ساعت اعلام و به زندانی تفهیم گردد.
- ۴) اخیراً پدر کیانوش مهدوی، یکی از سوسیالیست‌های در بند که موفق شد با پسرش در زندان کارون ملاقات کند، اطلاعاتی در مورد زندانیان بدست آورد؛ کیانوش مهدوی تأکید کرد که هنوز اتهامات را برای انسان



کیانوش مهدوی

- ۵) روشن ناساخته‌اند و خواست‌های آنان در زندان عبارتند از:
 - ۱) انتقال فوری رفقای بیمار مهسا هاشمی و فاطمه فلاحی به بیمارستان.
 - ۲) انتقال همه سوسیالیست‌های زندانی به یک سلول واحد.
 - ۳) حق داشتن وکیل مدافع.
 - ۴) اعلام فوری اتهامات.
 - ۵) حق محاکمه در یک دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه.
 - ۶) آزادی فوری تمامی اعضای حزب کارگران سوسیالیست.

زندانیان سوسیالیست دست به اعتصاب غذا زدند

فلاحي در تاريخ ۱۰ خرداد و ۲ تيرماه بنا به دستور دادستان داد سرای اسلامی خوزستان در اهواز دستگیر شده اند. همچنین آقای علی هاشمی (شهر مهسا هاشمی) بخاطر تقاضای ملاقات با همسرش در زندان کمیته اهواز بسر می برد.

دادستان اسلامی خوزستان تاکنون اتهام و اتهامات این مبارزین را اعلام ننموده است و همگی را ممنوع الملاقات اعلام کرده است.

مبارزین سوسیالیست همگی از مخالفین سرسخت رژیم مغرور پهلوی بوده اند و نقش اساسی در دفاع از زندانیان سیاسی شاه سابق بازی کرده اند.

مبارزات دفاعی در داخل و خارج از ایران در حمایت از سوسیالیست های زندانی باعث گردید که دولت یکی از این مبارزین، هزبر خسروی، را در تاریخ ۸ تيرماه از زندان آزاد نماید.

حزب کارگران سوسیالیست از تمام افسراد و سازمان های آزاد یخواه می خواهد که صدای خود را برای آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست، چریک های فدائوسی خلق، می جاهد بی خلق، کارکنان صنعت نفت، و تعداد بیشماری از برادران و خواهران عرب که هم اکنون در زندان بسر می برند بلند کنند.

دائرة دفاع حزب کارگران سوسیالیست
۱۵ تيرماه ۱۳۵۸

در آخرین لحظاتی که کارگر بزر چاب می رفت اطلاع یافتیم که ۱۴ نفر از سوسیالیست های انقلابی که در زندان کمیته اهواز هستند دست به اعتصاب غذا زده اند.

دائرة دفاع حزب کارگران سوسیالیست اطلاعیه ای در این مورد بشرح زیر چاپ کرده است:

امروز اطلاع حاصل شد که ۱۴ تن از اعضا حزب کارگران سوسیالیست که در زندان کارون اهواز زندانی هستند دست به اعتصاب غذای نامحدود زده اند. همچنین اطلاع حاصل شد که خانواده ها، ۴ تن از زندانیان سوسیالیست، میریبا، پورکپواز، گرگ زاده کفائی از روز پنجشنبه ۱۴ تيرماه در محفل دادگستری اهواز به تحسن نشسته اند. این خانواده ها خواستار آزادی فوری زندانیان سوسیالیست هستند. خانم مهسا هاشمی و فاطمه فلاحي ۲ تن از زندانیان سوسیالیست که در تاریخ ۱۰ خرداد دستگیر شده اند در زندان به خونریزی شدیدی داخلی مبتلا شده اند و در شرایط اعتصاب غذا در معرض خطر جدی جانی قرار گرفته اند.

۱۴ مبارز سوسیالیست عبارتند از آقایان: حمید شهبازی، امید میریبا، محمد پورکپواز، مصطفی سیف آبادی، مصطفی گرگ زاده، هرمز فلاحي، محمود کفائی، کامیاب لاجوردی، کیانوش مهدوی، هادی ادیب مرادی، فیروز فرزین پور و خانم مهسا هاشمی، فاطمه

خیلی مهم است. ولی آیا قتل کرده، چنانچه کرده که جرمش زیاد است؟ ما پدر و مادر باید اینرا بفهمیم یا نه؟ چرا ملاقات بسا نمی دهند؟ یک زندانی چند روز باید از تحقیقات بشود تا اجازه ملاقات بدهند؟ به داد این مادران بد بخت که بچه های آنها را گرفته اند برسند.

در آخر کنفرانس مطبوعاتی بیامی از حسن صدر که بعلت کسانت نتوانسته بسود شخصا در کنفرانس مطبوعاتی حضور داشته باشد، بشرح زیر قرائت شد:

"پذل ده ها هزار جان گرامی و بنثار آنبه خون پاک و بریبا که توانست با پیروان راندن شاه مخلوع ستگر به سلطنت ۲۵۰۰ بخشد هرگز برای ملت ایران هدف نبود. بنا براین امروز خود را موفق و کامیاب بدانم. پایان سلطنت ستگر و مستبد وقتی ارزنده و بریبا است که دوران آزاد بهیای فکری و حریت ایراز عقاید و افکار سیاسی در رسیده باشد.

"با کمال تأسف دستگیری و سلب آزادی دستجات و افرادی چند از این حزب و آن جمعیت بدون اعلام اتهام و بدون رعایت حقوق ابتدائی هراسان آزادی که متمم به ارتکاب گناه شده و ادامه اینوضع تا روزی که مقامات حاکمه اراده کنند برخلاف امید و انتظار است.

"از شخص آقای بازگان که خود بسا پایردی تمام، مشقت سالها زندانی بودن بخاطر عقیده را درک کرده اند بیش از هر کس در هر مقام دیگر انتظار می رود مقرر کنند نسبت به اعلام اتهام و دلائل سلب آزادی و ممنوع الملاقات بودن اعضا حزب کارگران سوسیالیست تا اینچند در عدم رعایت بیامی آزادی و دموکراسی بی اعتنا و بی پروا رفتار نکنند."

پری شهری:

'اجازه ملاقات با پسرمان می دهند'

سپس پری شهبازی مادر حمید شهبازی یکی از ۱۶ نفر دستگیر شده عضو حزب کارگران سوسیالیست سخفانی ایراد کرد و گفت:

"ما از یک خانواده روحانی هستیم و تنها پسرمان را که امید و آرزوی ما بود به خارج فرستادیم. برای اینکه طرز فکرش طوری نبود که در ایران بماند و زندگی کند. مدتی که تبعید بود. مرتب سازمان امنیت مزاحم مسا میشد و چهار پنج مرتبه ما را بردند سازمان امنیت. خوشی ما این بود که انشاالله انقلاب میشود و پسرمان میتواند برگردد. بعد از مدتها انتظار مواجه شدیم با رفتن او بسه زندان. آخر آنها باید بفهمیم برای چه رفتند زندان. من میدانم بچه من گناهکار نیست. برای چه او را گرفته اند. جرمش را بگویند. ما با هزار بد بختی و زحمت رفتیم اهواز و آقای دادستان را دیدیم میگردد جرم اینها

حمایت بین المللی برای آزادی سوسیالیست های زندانی

مريم دانا

که در آن از هر نوع انتقادی جلوگیری میشود - بخاطر مواضع آنها برای حق تعیین سرنوشت خلفهای ستمدیده کرد و ترکمن و عرب.

- بخاطر فعالیت حزب کارگروان سوسیالیست برای ایجاد سند یگاهای مستقل از دولت و از روحانیت در ایران مخصوصا در صنعت نفت.

بنابراین کمیته رهبری فدراسیون تصمیم میگیرد با فعالیت پیگیر و با مراجعه بسه مقامات مسئول در ایران خواستار آزادی این مبارزین گردد.

۳ - سند یگای فدراسیون گادرو تکنیسین وابسته به کفدراسیون سراسری کارگران فرانسه در کنگره خود که هفته پیش تشکیل شد قطعنامه ای به تصویب رساند و طی آن خواستار آزادی اعضای حزب کارگروان سوسیالیست در اهواز شد.

۴ - رهبری کفدراسیون کارگری "نیروی کارگر" که در همین سند یگای کارگری فرانسه است در اطلاعیه ای به دستگیری اعضای حزب کارگران سوسیالیست اعتراض نمود و خواستار آزادی فوری آنان شد.

۵ - فدراسیون جهانی حقوق بشر و فدراسیون فرانسوی حقوق بشر که همسراه هیئتی دو هفته پیش به سفارت ایران مراجعه نمود و خواستار آزادی اعضای حزب کارگران سوسیالیست شده بود فعالیت خود را برای دفاع از این مبارزین و اعزام وکیل ادامه می دهد.

۶ - فدراسیون های کارگری مختلف در شهرهای فرانسه تلگرافهای متعدد بی سفارت ایران و نخست وزیر موقت آقای بازگان



تظاهرات انقلابیون فرانسه در دفاع از سوسیالیست های زندانی در ایران

کارگران سوسیالیست که در زندان هستند شدند.

۲ - کمیته رهبری فدراسیون سراسری معلمین و استادان فرانسه که حدود هشتصد هزار نفر عضو دارد قطعنامه زیر را تصویب نمود:

"کمیته رهبری فدراسیون سراسری معلمین و استادان در جلسه روز ۱۴ ژوئن خود این قطعنامه را با اتفاق آرا تصویب نموده است و خواستار آزادی فوری اعضای حزب کارگران سوسیالیست که در اهواز زندانی هستند می شود. این عده به جد لیل زندانی شده اند.

- بخاطر قبول نکردن لایحه مطبوعات

در آمریکای لاتین مبارزه کرده است و سخنگوی سازمان های مختلف کارگری صحبت نمودند. در خاتمه این میتینگ کلیه شرکت کنندگان تصمیم گرفتند که مبارزه برای آزادی ۱۶ نفر عضو حزب کارگران سوسیالیست را با شدت و وسعت بیشتر ادامه دهند. همچنین نتیجه مبارزه دفاعی که تا به امروز در فرانسه انجام شده است به اطلاع شرکت کنندگان به شرح زیر رسید:

۱ - ۲۰ هزار نفر از مردم فرانسه از کارگران و زحمتکشان این کشور در پاریس و در شهرهای مختلف اطلاعیه ای امضا نموده اند و در آن خواستار آزادی کلیه اعضای حزب

مبارزه جهانی برای آزادی اعضای حزب کارگران سوسیالیست که چندین هفته است در اهواز زندانی هستند گسترش تازه ای یافته است.

تا کنون بسیاری از سازمان های کارگری و احزاب سوسیالیستی و اتحادیه های مختلف و همچنین آزاد یخواهان سرشناس جهانی خواستار آزادی فوری سوسیالیست های زندانی در ایران شده اند. سیل تلگرافها و امضاها به سفارتخانه های ایران در کشورهای اروپائی، آمریکای لاتین، آمریکا، کانادا، استرالیا، زلاند نو سرازیر شد. تاکنون چندین صف تظاهرات در مقابل سفارتخانه های ایران تشکیل شده است و هیئت های اعزامی به سفارتخانه های ایران خواستار آزادی فوری سوسیالیست های درینده شده اند.

معترضین بین المللی به دستگیری سوسیالیست های ایرانی، همه از مدافعین انقلاب ایران و از معترضین به رژیم استبدادی سابق هستند. آنچه در زیر می آید قسمتی از این مبارزات و فعالیتها در کشورهای مختلف جهان است.

فرانسه:

دوشنبه ۴ تیر میتینگ بزرگی برای آزادی ۱۶ نفر عضو حزب کارگران سوسیالیست در پاریس برگزار شد. در این میتینگ که از طرف سازمان کمونیست انترناسیونالیست و انجمن کمونیست انقلابی سازمان داده شده بود حدود ۴۰۰۰ نفر شرکت کردند. بغیر از سخنگویان دو سازمان فوق، ایودوشیزل وکیل معروف فرانسوی که همواره علیه اختناق

مادر رضایی ها: سعادت را آزاد کنید

از طرف خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی سابق سازمان مجاهدین خلق ایران بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران توطئه ای در راه است و سیاهی شب پیدا و شکارگران نابکار دست در دست چپاولگران امپریالیست به شکار انقلابیون مسلمان مشغول .

تاریخ خونین خلقها به ما آموخته است که امپریالیست های جهانخواه بسادگی دست از منافع خود نمی کشند و براهتی سزمین های استعمار شده را از وجود منحوس خود پاک نمی سازند . اگر بخود ناپایم و هوشیاری انقلابیان را از دست بدیم ، و اگر حتی گامی در مقابل ارتجاع امپریالیسم عقب نشینی کنیم ، هر روز و هر لحظه شاهد دریند کشیدن آزادیا ، اختناق ها و زندان ها و شکنجه ها و حتی شهادت ها خواهیم بود . مگر همین دیروز نبود که سعادت ای این فرزند دلیر خلق را پیشرمانه تحت نام جاسوسی شکنجه کردند و به اسارت بردند . مگر امروز شما را که به حق خواهی برخاسته اید ، با قنداقهای تنگ فریب خوردگان ، تحت نام دفاع از اسلام شکنجه نمی کنند و از راهبانی تان باز نمی دارند ؟ آری ، همیشه رسم بر این بوده است که ارتجاع از هر فریاد طلبای تنای وحشت داشته باشد ، و از ایستادگی حتی از خواندن پیام یک مادر به هراس افتادماند و با رفتاری ضد اسلامی و ضد انسانی خود فضائی از اختناق و خفقان ایجاد کرده اند .

اما زهی خیال باطل ! آنها نمی دانند که نور حق هر قدر هم لرزان و ضعیف ، از سیاهی ها می گذرد . دل صخره ها را میشکافد و بر تپلهای پربارمان و پاک شما فرزندان عزیز می نهد . و از آن روز که شما عزیزانم بهاخته اید

هیچ توطئه ای ، هیچ نیرو و قدرتی مانع حرکتتان بسوی یک جامعه خالی از زور و فشار خالی از فقر و گرسنگی و بیگاری نبوده و نخواهد بود .

جامعه ای پاکیزه با روابط انسانی و خردگرفته ، جامعه بی طبقه و توحیدی . ما آموختگان راه حسین نه از برجسیبهای وقیحانه ، نه از شکنجه و زندان و نه از ایشار خونهای پاک باکی نداریم ، ما سودای شهادت در سرد داریم و در انتظار ایثاریم .

ما با خدا و خلق خود پیمان بسته ایم که هر جا نشانی از ظلم هست ، ظالم را رسوا کنیم و گواه مظلومیت ما خونهای پاک ما و بد نهایی شکنجه شده ماست .

امروز نیز که از اعتصاب غذای قهرمانانه مجاهد اسیر سعادت ۲۹ روز می گذرد تجدید عهد میکنیم و از همه نیروهای مؤمن و بیدار جامعه مان میخواهیم که در رسوا کردن توطئه گران و باز پس گرفتن حق با پامال شده ، ما را یاری دهند و همه با هم مسئولین امر را مورد ستیاق قرار میدهم که آیا عاملین بازداشت غیرقانونی مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت را بازداشت کرده اند ؟ آیا تحقیق کرده اید که کمیته غیرقانونی مستقر در سفارت آمریکا به چه کارهای مشغول است ، چه عواملی در آن فعالیت دارند و رابطه آن با سازمان سیا ، موساد و بقایای ساواک چگونه است ؟

آیا پاسخ این ستیاق را یافته اید که منظور از خانه امن چیست و بازجویی متخصص چیست و چرا این بازجویی تخصصی ! نگران مدارک ساواک و سیا و نگران تیره شدن روابط ایران و آمریکا است ؟ نکند میترسد مدارک خود او دست سازمان مجاهدین خلق باشد ؟ آیا آقای هادی پاسخ داده اند ، در

فرستاده اند و خواستار آزادی اینهمه شده اند .

پرو :

۱۰ نفر از نمایندگان مجلس مؤسسان پرو و چند تن از رهبران سند یگاهای کارگری در پرو به دستگیری اعضای حزب کارگران سوسیالیست در ایران اعتراض نمودند ، و آزادی فوری آنان را خواستار شدند . این ده نفر عبارتند از :

— میگل اشاندیا : از رهبران " حزب سوسیالیست انقلابی " — آرملینواری : از رهبران " حزب سوسیالیست انقلابی "

— رویار دیز کانسکو و کارلوس مالیکیا : از رهبران " اتحاد دموکراتیک خلق " — مایورگا : رهبر سند یگای بانک — ماگدا بنا ویدس : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان — دانشجویان "

— هنریکو فرناندز : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان — دانشجویان "

— ریگاردو ناپوری : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان — دانشجویان "

— هوگو بلانکو : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان — دانشجویان "

— هرنان کوانتاس : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان — دانشجویان "

— فرانسیسکو مونتر : از رهبران " جبهه واحد کارگران — روستائیان — زحمتکشان —

حالی که خود با وجود بدن مجروح و پر زخم سعادت تی قدرت تشخیص شکنجه را نداشته اند ، چرا از معاینه پزشک قانونی از مجاهد شکنجه شده جلوگیری کرده اند ؟ شاید ایشان هم از رسوا شدن بازجویی متخصص ! بیخبر داشته اند ؟

چرا با وجود اینکه نیست و نه روز از اعتصاب غذای اعتراضی فرزند دلیر سعادت می گذرد ، باز مسئولین سکوت کرده اند و به او اجازه دفاع از خود را نمی دهند .

در این رابطه حتی ابتدائی ترین حقوق یک اسیر را لگدمال کرده اند و به او اجازه ملاقات نمی دهند و این درجائی است که ساواکی ها و سرسپردگان رژیم سابق که خون هزاران شهید برگردن دارند ، از همه گونه امکانات برخوردارند . آیا حاصل انقلاب ما فشار بیشتر بر روی مجاهدین خلق است ؟ و بسیار چراهای دیگر

و بالاخره چرا وجدانهای شامسولیسین ، در برابر این قانون شکنی و توطئه های کثیف و ننگین به خواب رفته و آیا فردا در پیشگاه خدا و خلق پاسخگو خواهید بود ؟ اینک همه با هم مؤکداً از ستیاقین امر میخواهیم که همین امروز مجاهد قهرمان سعادت را آزاد کنند ، تا حق بار دیگر چهره خود را بنمایاند و ظالم از ظلمی که روا داشته خرسند نگردد .

درد بر شما جوانان پرشور ، ادامه دهدنگان راه مجاهدین خلق . استوار باد پیوند خلق ستمدیده ما و پیششاران انقلاب مقدس اسلامی ایران . مرگ بر امپریالیسم و توطئه گران داخلی .

از طرف خانواده های شهدا و اسرای رژیم آریامهری سازمان مجاهدین خلق ایران مادر رضایی های شهید

اسپانیا :

۱ - ۲۵۰ نفر از اعضای حزب سوسیالیست خواستار آزادی اعضای حزب کارگران سوسیالیست در ایران شدند .

۲ - سند یگای سراسری کارگری اسپانیا ، بخش مادرید خواستار آزادی فوری سوسیالیستهای انقلابی در ایران گردید .

بلژیک و سویس :

در این دو کشور هیئتی مرکب از اعضای حزب سوسیالیست به سفارت ایران رفتند و خواستار آزادی اعضای حزب کارگران سوسیالیست در ایران شدند .

آمریکا :

یکی از وکلای معروف فلسطینی بنام عبد بن جبارا و یکی از مبارزین پیگیر حقوق بشر بنام بلیز بن پان بیانیه ای مبنی بر درخواست آزادی اعضای حزب کارگران سوسیالیست در ایران را امضا کرده اند . امضا کنندگان دیگر این بیانیه عبارتند از : دیوید کرپین : مدیر اتحادیه خدمات عمومی بخش لوس آنجلس - دونالد فرید (نویسنده) - فیلیپ زوفر لینک و استفان فریج من (کشیش) - آرس آناتک نرس (مدیر سابق کانون آزاد بهای مدنی در جنوب کالیفرنیا) - دی بی ژاسب و شسا نیلسنر - ماسیان (از طرف سازمان آزاد پیش از پیشرو در امریکای شمالی) - جیم پاول (رهبر پروژه تحقیقاتی و اطلاعاتی خاورمیانه) - جیورج والدو شهید ایران (از طرف کمیته همبستگی با فلسطین)

مبارزین صنعت نفت:

معیل ، حیاتی و خانمی

را آزاد کنید

سه تن از کارکنان بازداشت شده صنعت نفت در اهواز ناصر حیاتی ، محمد جواد خانمی و شهر معیل - که در روزهای پنجم ، دهم و یازدهم خرداد ماه در خانه های مسکونی خود دستگیر و به تهران منتقل شده بودند ، اکنون در زندان قصر زندانی می باشند . این سه تن از رهبران مبارزات کارکنان صنعت نفت اهواز بودند که با اعتصاب قهرمانانه خود ضربات خورد کننده ای بر رژیم سابق وارد کردند . بعد از دستگیری آنها همسرانشان در محل اداره مرکزی شرکت نفت اهواز متحصن شدند و اعلام نمودند تا آزادی ها با روشن شدن وضع بازداشت شده ها به تحصن خود ادامه خواهند داد .

در پی این تحصن حدود ۳۰ نفر از زنان کارمند شرکت نفت اهواز به آنجا پیوستند . در مدت کوتاهی تعداد تحصن کنندگان به ۲۰۰ نفر رسید . پس از انتقال دستگیرشدگان به تهران همسرانشان فاطمه حیاتی ، گلپهان معیل و آسیه خانمی نیز به تهران آمدند و به مبارزات خود در راه آزادی آنان ادامه دادند . کارکنان صنعت نفت طی قطعنامه ای که صادر کردند ، ضمن محکوم ساختن سبیه های امپریالیسم و ارتجاع و اعتراض به دستگیری همکاران خود خواستار محاکمه علنی و فوری این سه تن در حضور نمایندگان مطبوعات و کانون وکلا گردیدند . بر طبق خبر درج شده در آیندگان مورخ ۲۴ خرداد ، کارکنان کارخانه لوله سازی وابسته به شرکت نفت ، کارکنان شرکت ملی پخش ناحیه اهواز و دانشجویان پیشگام دانشگاه جندی شاپور با ۲۰۰ نفری که در اداره مرکزی در اهواز متحصن شده بودند اعلام همبستگی کردند .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در نامه ای به وزیر دادگستری به بازداشت دستگیرشدگان شدت اعتراض کرد و خواستار آزادی فوری آنان است . نایب رئیس این جمعیت عبدالمکریم لاهیجی در بخشی از این نامه می نویسد :

" نزدیک به یکماه است که آقایان شبیر معیل ، محمد جواد خانمی و ناصر حیاتی از کارکنان صنعت نفت اهواز در بازداشت هستند و آقای خانمی یک هفته است که بشدت

بیمار و بستری است . طی این مدت خانواده های بازداشت شدگان مرتباً به مسئولان امر رجوع کرده و خواستار آزادی آنان و ولاتقل اعلام علت بازداشت و اتهام دستگیرشدگان شده اند ولی متأسفانه تاکنون نتیجه ای نگرفته اند . از آنجا که بازداشت اشخاص باید بحکم مراجع قضائی صورت گیرد و اتهام شخص نیز هنگام دستگیری و یا حداقل ظرف ۲۴ ساعت به وی تفهیم شود ، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعتراض به توقیف این آقایان خواستار آزادی فوری آنان و اعلام چگونگی موضوع می باشد . هرگز روحیه ای دیر سراسری حزب کارکنان سوسیالیست در مصاحبه مطبوعاتی ۳ تیر که در اعتراض به دستگیری ۱۶ نفر از اعضا حزب در اهواز تشکیل شده بود خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این مبارزین صنعت نفت گردید .

نچه در مورد قانون اساسی باید بدانید

انتشار پیشنهاد قانون اساسی از طرف هیئت حاکمه پس از پایان مبارزات با رژیم پهلوی بر سر قانون اساسی جدید راه مسئله ای مرکزی و مورد توجه عموم جدل کرده است. فهم همه حقایق و دور این قانون اساسی پیشنهادی از وظایف هر کارگر و محار انقلاب است. از طریق این قانون اساسی همه سرمایه داران و زمینداران بزرگ سرمایه داران و زمینداران بزرگ را محسوس کرده اند. همه کی طرف است که از نقشه ها و فایده های پیشنهادی سرمایه داران مطلع باشد. فهم چارچوب و جزئیات قانون اساسی سرمایه داران به پیشبرد مبارزه علیه سرمایه داری در همه سطوح باری می دهد.

در برخورد با قانون اساسی پیشنهادی هیئت حاکمه، باید بخاطر آروم که این اولین باری است که در جریان یک انقلاب نظامی سرمایه داران و زمینداران بزرگ و نمایندگان سیاسی آنان قانون اساسی خود را ارائه کرده سعی به وضع این قانون می کنند. یکبار دیگر در اواخر انقلاب مشروطه، بر پایه های ویرانه های آن انقلاب عظیم اجتماعی، اجداد ما با نقشه های مشابه سرمایه داران مواجه شدند.

قانون اساسی آمریان هم مثل قانون اساسی فعلی یک سلسله قوانین و قواعد را بر روی کاغذ درج کرده بود. هم در گذشته و هم امروز، رابطه نیروها بین توده عظیم مردم و طبقه حاکم بود که در آن قوانین و در قانون اساسی کنونی منعکس گشته است. اما دیدیم که طبقه قانون اساسی مشروطه، برای پیش

از ۷۰ سال تا صبح ۲۲ بهمن، یعنی آخرین دقائق قطعی شدن پیروزی انقلاب شکست نشد. سلطنت در حال حقیقت قانون اساسی قدیم مشروطه را در پی می برد. یعنی طی این ۷۰ سال ما در موقعیت مجلسین و نمایندگان و محامیان و محامی ها را در پی می بردیم. دیدیم که چگونه قوانین وضع شده از طرف ارتجاع، استبداد و دیکتاتوری رسم شده به قانون حکومت سر نیزه بدل گشته است.

در فهم قانون اساسی پیشنهادی فعلی می توانیم و نباید درس ها و تجربیات بسیار سی تاریخ کشور خود را فراموش کنیم. برنامه کنونی سرمایه داری ایران برای تعیین قانون اساسی جدید الگوی بسیار روشن و صریحی دارد.

در دوران انقلاب مشروطه و هم امروز، در هر دو بار جامعه ما شاهد ظهور روند انقلاب عظیم اجتماعی بوده است. در هر دو بار توده عظیم مردم در مقابل خودکامی، نفوذ امپریالیسم، استبداد و سرکوبی قد علم کرده با به عرصه تعیین سرنوشت خود گذشته اند. در هر دو بار ما شاهد این حقیقت بوده ایم که چگونه بزرگ ارتجاع سلطنتی بخاک مالیده شده است. تاریخ مشروطه نشان داد که چگونه توده مردم از طریق انجمن ها و مجاهدین انقلاب مشروطه دایره های و تضادها، محدودی شاه و استبداد تاجار، سرمایه داران زمینداران بزرگ و مشرعه خواهان را تارومار کردند. چشم خود دیده ایم که ۷۰ سال

مقدمه های فراوان به قانون اساسی خود ارائه کردند. اما در این قانون اساسی سرمایه داری همیشه سند بازگشت ارتجاع و دیکتاتوری را ارائه کرده است. در انقلاب مشروطه دولت بود که مردم در دوره اول به عرصه تعیین قوانین اساسی اقدام کردند. اما قانون اساسی پس از فروزش و شکست انقلاب این دوره را به عرصه تعیین قوانین اساسی پیشنهادی تبدیل کرد.

کشور ما از آنزین تا کنون بسیار تغییر کرده است. اما در اصل پیشنهاد قانون اساسی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ما به نظر همان واقعیت های در شرایط تفاوت کم نیستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچکدام از اصول عظیمی که به تعیین سلطنت انجمن سرنوشت است. توده مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش بحرکت آمدند لکن قانون اساسی جمهوری اسلامی برای این نوشته شده که دوباره قدرت واقعی به دست دواتر بالای طبقات صاحب مال بیفتد.

بررسی این قانون اساسی از دیدگاه مسائل اساسی انقلاب ایران یعنی مسئله دولت و قدرت دولتی، حقوق سیاسی و آزادی های توده مردم، مبارزه با امپریالیسم، ارتش، صنایع، دهقانان، طبقاتی توده و زنان، فهم معنای واقعی این قانون اساسی را میسر خواهد کرد. بدین خاطر در صفحات بعد ما این قانون را از زوایای فوق مورد بررسی مفصل تر قرار داده ایم.

را شکسته و واگرمی نمایند. انقلابی با تمامی این خصوصیات در ایران بطور پیوسته تمام گمانیکه در این انقلاب شرکت نمودند: کارگران، دهقانان، زنان، ملیت های متحد شده، جوانان، این واقعیت را به عین دیدند که مبارزه توده ای آنها باعث شد که سلطنت با آنچه دم و دستگاه برج و بارو بالاخره سقوط کرد. دستگاه اختناق تلاش شد. ارتش، آخرین پناهگاه سلطنت در طی قیام توده ای پیروز شد. بهمن ماه از هم باشد. سربازان، این کارگران با او پیروم فرزندان طبقات و اقشار متحد شده و سرکوب شده به انقلاب پیوستند و سلطنت پهلوی مانند یک قصر کاغذی فرو ریخت.

با تلاش شدن این دستگاه، آنچه پشت پرده بود عیان شد. کارگران و زحمت کشان توانستند برای اولین بار جسد این دستگاه مخوف را بشکافند و ماهیت آنرا بیشتر بشناسند: سلطنت ایران باقی مانده است. تاریخ ایران است، باقی مانده است. استبداد وحشی کهن، کشورهای امپریالیستی در اواخر قرن نوزدهم، سلطنت را پایگاه دخالتشان در ایران کردند. پایگاه سرکوب و اختناق

مقدمه های فراوان به قانون اساسی خود ارائه کردند. اما در این قانون اساسی سرمایه داری همیشه سند بازگشت ارتجاع و دیکتاتوری را ارائه کرده است. در انقلاب مشروطه دولت بود که مردم در دوره اول به عرصه تعیین قوانین اساسی اقدام کردند. اما قانون اساسی پس از فروزش و شکست انقلاب این دوره را به عرصه تعیین قوانین اساسی پیشنهادی تبدیل کرد.

کشور ما از آنزین تا کنون بسیار تغییر کرده است. اما در اصل پیشنهاد قانون اساسی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ما به نظر همان واقعیت های در شرایط تفاوت کم نیستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچکدام از اصول عظیمی که به تعیین سلطنت انجمن سرنوشت است. توده مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش بحرکت آمدند لکن قانون اساسی جمهوری اسلامی برای این نوشته شده که دوباره قدرت واقعی به دست دواتر بالای طبقات صاحب مال بیفتد.

بررسی این قانون اساسی از دیدگاه مسائل اساسی انقلاب ایران یعنی مسئله دولت و قدرت دولتی، حقوق سیاسی و آزادی های توده مردم، مبارزه با امپریالیسم، ارتش، صنایع، دهقانان، طبقاتی توده و زنان، فهم معنای واقعی این قانون اساسی را میسر خواهد کرد. بدین خاطر در صفحات بعد ما این قانون را از زوایای فوق مورد بررسی مفصل تر قرار داده ایم.

قانون اساسی پیشنهادی: ادامه حکومت سرمایه داری یا استقرار جمهوری کارگران و کشاورزان

آنها تدوین و تصمیم قانون اساسی فقط از عهد به متخصصین و خبرگان و از ما بهترین بررسی آید؟ این چیزی است که طبقات صاحب مال جامعه، از طریق انتشار قانون اساسی جمهوری اسلامی و علم کردن مجلس خبرگان به آن جواب مثبت داده اند. ولی توده های عظیم مردم که با مبارزه قهرمانانه خود سلطنت خونخوار پهلوی را واگرم کردند احتیاج به وکیل و وحی زخیره نداشتند و اکنون نیز می توانند و می خواهند بر سرنوشت خود حاکم باشند. کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه فلول استبداد بخوبی دریافته اند که چه چیزی در مقابل خواست های آنها یعنی داشتن یک زندگی انسانی سد راه بود: سلطنت پهلوی و دولتی که سلطنت در رأس آن قرار داشت.

مسئله دولت و ماهیت آن مسئله مرکزی هر انقلاب است. در زمان کود مبارزات توده ای، مردم بر سرنوشت خود حاکم نیستند. در مواقع عادی گمانیکه تصمیم می گیرند نمایندگان طبقات حاکم هستند که دولت را تشکیل می دهند. شاه ها و سلاطین، متخصصین و بوروکرات ها، وکل و وزرا، این

عده از بالا برای مردم امر و نهی صادر میکنند و از طریق قدرت اجزائی - پلیس، ارتش و غیره - فرامین خود را به اجرا می گذارند. توده مردم چون هنوز وارد مبارزات توده ای نشده اند و افراد هم تک تک در مقابل سیستم پیچیده و دولت متمرکز و سازمان یافته طبقه حاکم نمی توانند عکس العمل مؤثری نشان دهند. طبقه حاکم به چپاولگری توده ها می پردازد و با تکیه بر قدرت دولتی این دزدی را مشروع و قانونی جلوه می دهد.

در زمان تشدید مبارزات طبقاتی یعنی بروز انقلابات، توده ها دیگر حاضر نیستند که چپاولگری ادامه پیدا کند. از طریق عمل زورمند و مستقل توده ای خود، اعتصاب و تظاهرات خیابانی، وارد صحنه ای می شوند که در شرایط عادی گام از آن کنار زده شده اند. صحنه ای که در آن تصمیم گیری سیاسی می شود. صحنه ای که در آن سرنوشت آنها تعیین می گردد. با ورود بوری این صحنه تاریخی توده های زحمتکش هم می گردند که حاکمیت بر سرنوشت خویش را به دست گیرند. نمایندگان درویشان را کنار می زنند و دستگاه حاکمه و دولت سرمایه دار

مردم دانا

امپریالیستی برای حفظ منافع خودشان برای سرکوبی جنبش های آزادخواه. به این ترتیب سلطنت وحشی آسمانی، با سلاح و کک های مادی امپریالیسم مجهز شد. ارتش شاه مجهزترین و قوی ترین ارتش منطقه شد و سلطنت پهلوی مهمترین و اساسی ترین پایگاه امپریالیسم.

واگرمی دستگاه سلطنت این واقعیت را عیان ساخت که تصمیم گیری سیاست در ایران در سفارت آمریکا و کاخ سفید انجام می شد و سلطنت فقط مجری اوامر بود. آنها از طریق دستگاه اختناق ساخته و پرداخته امپریالیسم، مستشاران و دلاهای آمریکائی - قرارداد های نظامی و سیاسی همه بهمین منظور بسته شده بود.

اما دولت انتصابی و موثقت آقایان بزرگان به همه پنهان ها توکل جست تا از عیان شدن این حقیقت جلوگیری نماید. از یک باز کردن سرنوخته های روابط سیا و امپریالیسم آمریکا با سواک و رژیم شاه خود داری نمود. اخیرا آقای بزدی در طی کنفرانس وزارت امور خارجه در جواب سؤال بانک زهرانی در این مورد جواب داد: "در وزارت امور خارجه

اتفاق سند مهمی وجود ندارد. و در سفارت ایران در واشنگتن نیز اتفاقا چیز مهمی نبود. بنابراین خیلی "اتفاقی" از گفتن حقایق این همکاریها به مردم ایران و جهانیان خود. داری می کنند و به این ترتیب بر جنایات رژیم گذشته سرویس می گذارند تا روابط سابق را از گزند انقلاب محفوظ دارند.

با این وجود در طول این انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران به بسیاری از حقایق واقف شده اند. مسئله ای که برای همه مردم زحمتکش ایران روشن شد رابطه بین سلطنت، دستگاه هیئت حاکمه و سرمایه داران و زمین-داران بزرگ بود. سلطنت رئیس و رهبر سرمایه داران و زمینداران ایران بود. به محض اینکه سلطنت در خطر سقوط افتاد،

سلطنت پهلوی، حکومت اکثریت جامعه، یعنی جمهوری کارگران و دهقانان را در جهت پیشبرد اهداف انقلاب مستقر سازند. دولت انتصابی بازرگان قدرت سیاسی را از دست توده ها برود و جایگزین آن شد. هدف هیئت حاکم خمینی-بازرگان بلافاصله بعد از قیام، ازین بردن کمیته ها، شوراهای و تشکلات مستقل توده ای بود. همه جا درخواست مردم انتخاب نمودن بود و همه جا سیاست دولت انتصاب نمودن. در ارتش، در ادارات، در کارخانه ها، در دانشگاه ها و دبیرستان ها، توده ها از طریق انتخابات می خواستند تعریفی بازماندگان رژیم سابق را بدست گیرند. نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند، کنترل امور را در

قبول کرده بود. اکنون که باید دولت را دوباره بسازیم کونینتس ها مانع می شوند از طریق براه انداختن تظاهرات دانشجویی و اعتصابات کارگری و مبارزات مسلح در شهر-ستان ها سد راه هستند.

این بهانات آقای بازرگان جلوه گر حقیقی است که در این کشور اتفاق افتاده است و همه آنها به عین تجربه کرده اند: انقلاب ایران علیمه امثال بازرگان و سایر سیاست-مداران سرمایه داری پیش رفت. دستگاه سلطنت علویش میل آقای بازرگان فرو ریخت. و اکنون هیئت حاکم خمینی-بازرگان سعی دارند که به هر نحوی که شده دولت سرمایه-داری را دوباره بسازند و برای اینکار بسا خواست های بحق توده ها مخالفت می ورزند

این قانون اساسی برای آن نوع حکومت نوشته شده که دوباره بتواند در رأس جامعه بدون مداخله مردم به تصمیم گیری بپردازد. حکومتی که تعصباتش پشت سر مردم، مخفیانه و دور از انظار آنها گرفته می شود. قانین اساسی با این هدف نوشته شده که دستگاه دولتی بدور از دسترس توده ها و کنترل توده ها بتواند به حیاتش ادامه دهد. یعنی دستگاهی که نفی کامل قیام بهمن ماه باشد و دوباره محل تصمیم گیریها را از خیابان، کارخانه، مزارع، کوی و بزمین به پشت درهای بسته وزارتخانه ها منتقل کند.

طبقات صاحب مال قبل در طی انقلاب مشروطه موفق به انجام چنین کاری شده اند. در انقلاب مشروطه توده های زحمتکش علیه

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید | آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | حکومت |
|---|---|-----------------------|
| جمهوری اسلامی | جمهوری کارگران و دهقانان | حکومت محلی |
| بر پایه "پارتی بازی و انتصاب از طرف ثروتمندان محل و حکومت مرکزی تعیین می گردد." | بر پایه نمایندگان مختلف سازمان های کارگران، روستائیان، کارمندان، سربازان، دانشجویان و محصلین باید تشکیل گردد. | حکومت کشوری |
| بر پایه "انتصاب نمایندگان سیاسی طبقات سرمایه دار و زمیندار بزرگ." | بر پایه "نمایندگان منتخب این سازمان ها در سطح سراسری کشور" | مأمورین دولتی |
| انتصاب غیردموکراتیک کلیه مأمورین دولتی. | انتخاب دموکراتیک کلیه مأمورین دولتی. | برکناری مأمورین مختلف |
| انکار و جلوگیری از اعمال این حق دموکراتیک مردم. | مأمورین دولتی در هر زمان و در همه سطوح می توانند توسط انتخاب کنندگان برکنار شوند. | دیوانسالاری دولتی |
| حفظ دیوانسالاری دولتی و درجه بندی حقوق و مزایای کلان برای رؤسای دیوانسالاری. | از بین بردن دیوانسالاری از طریق درآمد معادل یک کارگر متوسط برای همه مأمورین دولتی. | ماهیت حکومت |
| حکومت پشت درهای بسته سرمایه داران و زمینداران بزرگ. | حکومت باز و علنی تحت اراده کارگران و زحمتکشان. | |

سرمایه داران دم گفتم به تکاپو افتادند. سرمایه ها به سمت سرزمین آوری خارج شد. عده ای از سرمایه داران فراری شدند و باقی پنهان گشتند و سرمایه های خود را راکد گذاشتند.

ولی رژیم خمینی-بازرگان به حمایت از سرمایه داران ادامه می دهد. به استعمار کارگران ادامه دهند. هیچ صنعتی ملی نشد. در اکثر کارخانه ها و ادارات و خواستار باز شدن دفاتر حساب و اسناد بودند تا ناسد ها، دزدی ها و چپاولگرهای سرمایه داران و مأمورین و عمال دولتی آنان فاش شود. حکومت انتصابی بازرگان از همان ابتدا به مخالفت با این انشاگری پرداخت و برای حفظ اسرار سرمایه داران کوشید. ولی با این وجود برای تمام کسانی که در این انقلاب شرکت جستند این مسئله روشن شد که دستگاه چپاول فقط دیکتاتور پهلوی نبوده بلکه دست همه سرمایه داران و زمینداران بزرگ که پشت سلطنت چنبر زده بودند نیز در کار بوده است.

دست بگیرند و تولید و توزیع را کنترل نمایند. در مقابل این خواست، سیاست دولت همگامی سدی بود در راه ابتکارات توده ای.

آقای بازرگان چند روز بعد از قیام پسا گریه و غم در تلویزیون اعلام کرد: آخر کجای دنیا مردم همه چیز را انتخاب می کنند؟ همیشه دولت ها هستند که انتصاب می نمایند. نتیجه انتصابات دولت بازرگان به یک جا انجامید: تمامی عمال رژیم سابق به اذعان خود دولت در سفاخانه ها و ادارات و کارخانه ها به امر و نهی ادامه دادند و توده های انقلابی حق عزل و کنترل آنان را ندارند. حق تصمیم گیری از توده ها سلب شد و بخشنامه ها و دستورات از بالا آمده برای همه تکلیف صادر کرد. کمیته ها و ارتش به سرکوبی مبارزات توده ای پرداختند. اما دستگاه دولتی نیمه ویران سابق به این آسانی قابل ترمیم نیست و با همه سعی و کوشش هیئت حاکم خمینی-بازرگان هنوز موفق به ترمیم آن نشده اند.

در صاحبه ای با روزنامه فرانسوی لوموند (۱۵ مه) بازرگان اذعان می دارد که از بیین رفتن سلطنت بحران عمیقی بوجود آورده است و نظام را درهم شکسته می گوید "خواست های توده ها ما را فلج می سازد... تسب انقلابی پایان نیافته... و هر روز هزاران نامه و تلفن از مردم دریافت می داریم که اعتراض می کنند به انتصاب فلان رئیس یا فلان مقام اداری و یا فلان تیسار ارتشی بخاطر اینکه با رژیم سابق همکاری می کرده اند اما چیزی نداریم جای آنها بگذاریم... اگر به جای انقلاب از طریق اصلاحات جلو رفتیم بودیم مثلا شورای سلطنتی و همکاری با ارتش وضع بهتر بود، راهی که بختیار نیز تقریبا

و به حقوق دموکراتیک حمله ور می شوند. باید هر طوری که شده توده ها را از صحنه ای که به آن وارد شده اند بیرون برانند. باید دوباره دولتی بسازند که از بالا از طریق "وزرا" و "وکلا" برای مردم تعیین تکلیف کند. بوجود آوردن چنین دولتی، بدون توسل به همان شیوه های سابق، یعنی اختناق و سرکوبی مداوم امکان پذیر نیست. لاجرم باید همه دستگاه های سرکوب سابق - پلیس، ارتش، ژاندارمری و حتی ساواک تحت ناسی جدید - برپا شوند. اینها جوهر نیازهای سرمایه داری برای ادامه "سلطه" خویشی در ایران است.

قانون اساسی جدید برای استحکام چه نوع حکومتی نوشته شده؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی، چیزی نیست جز مشروعیت دادن به ادامه "سلطه" سرمایه داری و تمسبه قوانینی که حکومت سرمایه داران و زمینداران بزرگ بتوانند از طریق آن سلطه خود را حفظ کنند. تا روبرو این قانون اساسی از تهاجم علیه دموکراسی یافته شده است. در حقیقت همان قانین گذشته است با ریهوشی جدید. بازگشت به قدرت مطلق دولتی است که استبداد اقلیتی را بر اکثریت مردم حکم فرما سازد. پایه های این قانون اساسی بری استعمار کارگران توسط سرمایه داران دم گفتم، ستم ملی و سرکوبی خلق های کرد و عرب و ترکمن، خودکامگی مقامات دولتی در شهر و روستا، سرکوب تمامی مبارزین و مدافعین دموکراسی استوار گشته است.

ترکیب مذهب و دولت

تحلیلی از مواد قانونی اساسی به ما نشان می دهد که چگونه امپریالیسم و سرمایه داران می خواهند دولت خودشان را بسازند تا روابط سابق را حفظ کنند: اس و اساس این قانون بر پایه "ادغام مذهب و دولت بنا شده است.

یکی از مهمترین مشخصات ارتجاعی قانون اساسی جمهوری اسلامی اینست که یک روند عقیدتی را به عموم جامعه تحمیل می کند و از آن محکی برای امتیازطلبی و تعدی میسازد.

سرمایه داری بدون سلطنت

پس از سقوط سلطنت، بوجود آوردن دولتی که نمایند "توده های زحمتکش باشد مسئله مرکزی انقلاب شد و در دستور نسوری روز قرار گرفت. اما بخاطر عدم وجود حزب انقلابی که بتواند انقلاب را رهبری کند، و عدم تشکل توده های زحمتکش کارگران، دهقانان، طبقات های ستمدیده، زنان، جوانان، سازمان های مبارزه و عدم تمرکز این سازمان ها، باعث شد که توده ها نتوانند پس از سرنگونی

از این طریق اسلام و روحانیت قدرت تمام دارند و هر اختلاف نظری را می‌توانند بطور "قانونی" سرکوب نمایند. در اصل ۲ می‌خوانیم "نظام جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی برپایه" فرهنگ اصیل و بویا و انقلابی اسلام". مفهوم این اصل روشن است هر نوع روند عقیدتی غیر اسلامی خارج از قانون محسوب می‌شود. در اصل ۴ این نکته تأکید می‌گردد "جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی، معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد". پایه قانون اساسی پیشنهادی آزادی عقیده و اندیشه و آراء نیست بلکه تحمیل "اخلاق اسلامی است". سرپچی از آتم بطور قانونی می‌تواند سرکوب شود. به این ترتیب فرق دادگاه و زندان بگلی از بین می‌رود. عقاید و نظریات جرم محسوب می‌شوند و آنچه سرمایه داران "اسلام" می‌نامند، محک این تعدی قرار می‌گیرد. سرمایه داری به جمعی غیر قابل سؤال و مأخذ احتیاج دارد تا از طریق آن بتواند تسلط قدرت و ثروت خود بر جامعه را از دست اکثریت عظیم کارگر و زحمتکش مضمون بدارد.

پس از سقوط سلطنت اکنون قدرت متمرکز یافته سرکوبگرانه تحت لوای اسلام ارائه می‌گردد. سرمایه داری در تمام جهان، وضع، تصویب و اجرای قوانین مختلف را حق انحصاری و خدشه ناپذیر خود می‌داند. قبلاً قانون الهی "سلطنت" معیار سرکوبی بود، و حالا سرمایه داران قدرت "الهی" دیگری را مستمسک قرار داده‌اند. این واقعیت را هر کارگر مسلمان می‌تواند درک کند که بین او و یک سرمایه دار مسلمان خط استعمار کشیده شده است. حضور روحانیت در "شورای نگهبان" که مطابق قانون اساسی جدید در حقیقت بی‌التزین مرجع تصمیم‌گیری خواهد بود، انحصار تدوین و یا الغا قوانین مختلف را بدون کوچکترین دخالتی از طرف توده‌ها تضمین خواهد کرد.

قدرت اصلی در دست قوه اجرائیه

در اصل ۱۶ این قانون تصریح شده است: "قوه قضائیه، مجریه، مقننه همیشه مستقل از یکدیگرند". ولی این فریبی است که سرمایه داری در همه جای دنیا برای پوشاندن واقعیت قدرت خود بکار می‌برد. در حکومت‌های سرمایه داری نه تنها هیچگاه تکنیک قوا وجود ندارد بلکه کلیه قدرت در دست قوه مجریه متمرکز شده است که از طریق نیروهای اختناق و سرکوب (ارتش، پلیس، قضات، قشر دیوان سالار و روحانیت) قدرت خود را اعمال می‌کند. عملکرد دول سرمایه داری در سطح جهانی این حقیقت را نشان داده است و اصول قانون اساسی پیشنهادی که قدرت را به دست رئیس جمهور روحانیت و ارتش می‌سپارد صحت این مطلب را به‌بشتر ثابت می‌نماید. ماهیت اصلی پارلمانا تا ریسم همانطور که مارکس بیان می‌کند در این نهفته شد ماست که هر چند سال یکبار، تعداد مشخصی از نمایندگان سیاسی طبقه حاکم خواستهای توده مردم را با همال میکنند و این در تماشای پارلمانهای دنیا صدق است. تصمیمات دولت ندر پارلمان بلکه ریشت درهای بسته گرفته می‌شود: توسط وزیران، رؤسای ارتش، رؤسای ادارات. در پارلمان فقط پرحرفی صورت می‌گیرد و آنهم به منظور تحمیل توده‌ها. در قانون اساسی پیشنهادی نقش پارلمان از اینهم کمتر است. تمامی قدرت در دست رئیس جمهور و شورای نگهبان یعنی روحانیت متمرکز شده است. رئیس جمهور حق دارد مجلس را منحل نماید، از بالای سر

مجلس به فرمانده متصل شود، در مواقع ضروری بعنوان فرمانده کل نظامی اعلان جنگ و متارکه کند. وزیرا را تعیین کند. حتمی تظا هر به اینهم نشده که نمایندگان مجلس می‌توانند بر سر هر موضوعی بحث و تصمیم گیری کنند. اصل ۶۶ تصریح میکند که مجلس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول اسلام و قانون اساسی مغایرت داشته باشد. در اصل ۵۳ ابتدائی‌ترین حقوق دموکراتیک مردم یعنی علنی بودن جلسات مجلس نقض شده است. امکان جلسات محرمانه وجود دارد با حضور عده ای خاص. نقشی که به شورای نگهبان داده شده است نقش چماقی است بالای سر مجلس، که می‌تواند مطابق اصل ۸۴ از حق وتو استفاده کند و مصوبات مجلس را رد کند. مطابق لایحه جدیدی تحت نام "لایحه جرائم ضد انقلاب" که اخیرا به تصویب شورای انقلاب رسیده و باید آنرا مکل قانون اساسی

کارگران و زحمتکشان به چگونگی حکومتی احتیاج دارند

حکومتی که قانون اساسی جدید برای آن نوشته شده، حکومت سرمایه داران و زمین داران سرمایه دار است و قادر نیست به هیچیک از خواست‌های کارگران و زحمتکشان دهقانان است که از طریق ابتکار و عمل خود توده‌ها وجود می‌آید و تنها دولتی است که می‌تواند دموکراسی واقعی را مستقر سازد. به تمام نیازهای مردم پاسخ گوید و آزادی را مستقر سازد. جمهوری کارگران و دهقانان یعنی حاکمیت توده بر سرنوشت خویش، یعنی

می‌شود. باین کار می‌خواهند امید توده‌ها را به زندگی بهتر بگهند. اما انقلاب ایران امید را در دل مردم مستمیده و رنج برده مملکت ما گشوده است. امید به زندگی بهتر امید به سوسیالیسم، سوسیالیسم یعنی زندگی والا تر و عالیتر، یعنی اینکه هر انسان از زندگی انسانی برخوردار باشد، از حق کار، حق درس خواندن، حق فکر کردن، حق تفریح کردن، حق خوشبخت بودن. و اینست آنچه دولت فعلی و سرمایه داران و امپریالیسم از آن می‌هراسند و می‌خواهند مبارزات برای رسیدن به آنرا سرکوب سازند. چون از قدرت توده‌ای می‌ترسند، چون در مقابل توده‌ها ضعیف هستند، به حذف مجلس مؤسسان واقعی و دموکراتیک پرداخته‌اند تا امکان نظردی مردم را محدود سازند. زیرا بخوبی می‌دانند که اگر دموکراسی حاکم باشد، اگر کارگران و زحمتکشان بتوانند آزادانه و در محیطی دموکراتیک



نظارات اول ماه مه: کارگران و زحمتکشان چرخ‌های اقتصاد کشور را می‌گردانند. آنان باید اداره امور کشور را نیز در دست بگیرند.

جمهوری اسلامی دانست. حق تشکیل و بسا لغو دادگاه‌های فوق العاده عملا در اختیار قوه مجریه گذاشته شده است. نبرد کوچک تری نامی از هیئت منصفه منتخب در دادگاه‌ها، عملا جمله "تکنیک قوا" را به فریب و ربا تبدیل کرده است. سرمایه داری برای متمرکز ساختن قدرت در دست دولت، تمامی سیستم اختناق را می‌خواهد دوباره سازمان دهد: ارتش از بالا سازمان می‌یابد. حق دموکراتیک سربازان در انتخاب و شرکت در فعالیت‌های سیاسی نقض می‌شود. دیسیپلین نظامی مستقر می‌شود. درجه داران و نظامیان مطابق قانونی که بعدا معین می‌شود درجه می‌گیرند و نه به انتخاب سربازان. از پاکسازی امرای ارتش دیگر حتی صحبتی هم نمی‌شود. همراه بسا بازسازی ارتش پلیس و ژاندارمری را نیز دولت می‌خواهد با همان دیسیپلین سابق و همان اشخاص سابق سازمان دهد. سیستم قضائی نیز از رئیس عالی دیوان کشور گرفته تا مستشاران و دادستان همه از طرف دولت (شخص رئیس جمهور) انتصاب می‌شوند.

آزادی خلق‌های مستمیده از ستم ملی، آزادی کارگران و دهقانان از بیخ استثمار، یعنی آزادی زنان از ستم مضاعفی که به آنان وارد می‌شود. یعنی آزادی جوانان در انتخاب آینده خود. تنها جمهوری کارگران و دهقانان از طریق اعمال قدرت مستقیم توده‌های زحمتکش قادر است که سرمایه‌داری را منکوب سازد، و با برداشتن قدم‌های اساسی، دست امپریالیسم را کوتاه نماید. بحران اقتصادی و اجتماعی را که اکنون جامعه عقب مانده و نیمه مستعمره ما با آن روبرو است حل نماید. اما دولت کنونی که نماینده سرمایه داران است از طغیان توده‌ای می‌هراسد. از هر چیزی که به بهبود وضع زحمتکشان بی‌انجامد منجز است. از قدرت توده‌ها می‌ترسد و برای دل‌برد کردن آنها به هردست‌آویزی متصل می‌شود. صبر انقلابی یا بهتر بگوئیم ضد انقلابی یکی از حربیه‌هاست علیه سبج توده‌ای. در رادیو و تلویزیون انواع و اقسام دروغ‌های شاخدار و برجسب و افترا علیه سازمان‌های کارگری و مبارزین کارگری گفته

پاسخ مثبت بدهد. تنها حکومتی که می‌تواند خواستهای توده‌ها را جواب گوید، حکومتی است که خود توده‌ها برپایه تشکلات خود بوجود بیاورند. پایه‌های این حکومت اصمالات اراده توده‌های زحمتکش از طریق سازمان‌هایی است که در مبارزاتشان بوجود آورده‌اند. کمیته‌هایی که در ماه‌های قبل از قیام تشکیل شد پایه‌های یک چنین دولتی را ریخت. کارگران هرکجا اعتصاب کردند. نمایندگان خودشان را انتخاب نمودند. کمیته‌های اعتصاب کنترل کارخانه را بدست گرفتند. اما کمیته‌های اعتصاب بهم جوش نخوردند و مرکزیت پیدا نکردند تا پایه قدرت کارگری را تشکیل دهند. اما این کمیته‌ها و شوراهای نشان دهنده راهی بودند که آغاز بزرگترین دموکراسی را در جهان نوید می‌دهد. دموکراسی برپایه شوراها. برپایه تصمیم‌گیری مستقیم توده‌ها در مبارزاتشان علیه سرمایه داری. و این پایه جمهوری کارگران و یک مجلس مؤسسان واقعا منتخب به تصمیم‌گیری بنشینند. این قانون اساسی پیشنهادی را به کاری خواهند انداخت و با استقرار

سندیده ساکت نشسته اند • مبارزه ادامه دارد • مبارزه برای حاکمیت توده، برای تعیین سرنوشت، برای استقلال سیاسی از قید سرمایه داران و برای سوسیالیسم

زندان ها روانه می شوند • می خواهند از نو در این کشور زندانی سیاسی، پلیس مخفی، دادگاه نظامی براه اندازند • اما در مقابل این حملات توده های

حمله ور شده است • مبارزین سوسیالیست را بجز عقایدشان به زندان می افکند، چریک های فدائی خلق، مجاهدین خلق، کارگران مبارز صنعت نفت، خلق عرب همه و همه به

جمهوری کارگران و دهقانان، راه به سوی سوسیالیسم را خواهند گشود • سرمایه داری برای تحمیل قانون اساسی خود به بزرگترین دستاورد تمام یعنی آزادی های دموکراتیک

قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آزادی های سیاسی و مدنی خط بطلان می کشد

مهدی جوادی

افراد جامعه از طریق بحث دموکراتیک نمایندگان خود را از همه نظریات انتخاب می کنند، باری، این حمله به حق حاکمیت واقعی مردم، تمام آزاد بهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را لگدمال نمی کند، اصل ۲۳ قانون اساسی کلمه به کلمه حقوق خدشه ناپذیر انسانی و دموکراتیک را از انفراد جامعه سلب کرده، آنرا مشروط به تصویبات حکومت سرمایه داری می کند • این اصل قانونی، نشانگر این حقیقت است که قانون اساسی تدوین شده از طرف سرمایه داران حقوق آنان را حفظ می کند • سرمایه داران می گویند حقوق فردی شما، از قبیل عقیده، حیثیت، جان شما از تعرض مصون است، مگر "بحکم قانون" ما •

اما همه مردم ۲۵ سال خاطره "حکم قانون" استبداد خونین پهلوی را بخاطر دارند، همه میدانند که تاج سر سرمایه داری ایران، یعنی سلطنت پهلوی، چه قوانینی را آفرید • ۵۰ ماه تعالیت های جمهوری اسلامی نیز، بهمین زودی نشان می دهد که "حکم قانون" چه مقوله ای است و حتی چگونه خفقان زائر از گذشته خواهد شد • این تضاد کبریه را باید تماشا کرد - توده عظیم مردم سلطنت پهلوی، مرکز ثقل و پایگاه اصلی ارتجاع و خفقان را درهم نوردیدند، اما سرمایه داران حقوق این مردم را سلب کرده حتی در قانون اساسی، پایگاه رجعت ارتجاع و خفقان را حفظ میکنند • آزادی های و حقوق فردی افراد این جامعه مصون خواهد بود، مگر "بحکم قانون" • از طریق این قانون اساسی، درحقیقت سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار ایران مجدداً بزبان آمده از طریق حکومت خود می گویند، حقوق همگی شما را ما تعیین خواهیم کرد • نقشه های شوم سرمایه داری



و قانون خفقان آور تعیین می شد • همه این مقالات محفوظ بودند مگر "بحکم قانون" خونین استبداد • و هم اکنون ما شاهد بنیانگذاری آن جمهوری اسلامی هستیم که از طریق یک سری لفاظی ها عقیده "آزاد، حیثیت مبارزین، جان افراد، مسکن و شغل را تحت حمله قرار داده است • حمله به آزادی مطبوعات، زندانی کردن ۱۶ انقلابی سوسیالیست، اعضا سازمان چریک های فدائی خلق و مجاهدین خلق، حمله در سطوح ادارات و کارخانجات به کارمندان و یا کارگران بخاطر ابراز عقاید و نظریات مستقل و یا مخالف، در یک کلام حمله به آزادی بهای فردی و سیاسی در همه سطوح جریان دارد •

مگر جایگزین کردن مجلس محدود و غیردموکراتیک "خبرگان" بجای مجلس مؤسسان اصل و آزاد، یعنی آن مجلسی که تک تک

کند و هرگونه تجاوز به این حقوق را غیرقانونی اعلام کند، حکم می کند که مردم باید برای ادامه ثروت اندوزی سرمایه داران و استقرار حکومت آنها زندگی کنند • نگاهی به تک تک اصول قانون اساسی این نکته را ثابت میکند:

اصل ۲۳

اصل ۲۳ قانون اساسی پیشنهادی می گوید: "عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل اشخاص محترم و از تعرض مصون است مگر به حکم قانون" • مفهوم این بند از قانون اساسی روشن است • سرمایه داران ادعا می کنند که عقیده و حیثیت و مسکن و شغل اشخاص محترم است ولی عملاً همه این حقوق را "بحکم قانون" سرکوب کرده و خواهند کرد •

در دوران استبداد پهلوی از آزادی بهان مطلقا خبری نبود، هر صدای آزادی - خواهی با زندان و شکنجه و گلوله پاسخ داده میشد • "آزادی بیان" تا بدینجا وجود داشت که در خدمت دستگاه خودکامه سلطنت و سرمایه داری بود • دستگاه سلطنت برای نقض آزادی بیان پوشش های "قانونی" هم می تراشید • صدای آزاد پخواهان بعنوان "جاسوس"، "وطن فروش"، "خیمانکار" و غیره خفه میشد •

استبداد پهلوی هم می گفت عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل اشخاص محترم و از تعرض مصون است، مگر به حکم قانون، و هم اکنون از طریق جمهوری اسلامی، سرمایه داران دارند مفهوم عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل را بطرز جدید تعیین میکنند • تحت استبداد پهلوی، عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل افراد مطابق با چارچوب دیکتاتوری از طریق سرکوبی، شکنجه

قانون اساسی پیشنهادی جمهوری اسلامی در زمینه حقوق انسانی و آزاد بهای سیاسی و مدنی توده مردم را از دسترنج مبارزاتشان محروم می کند •

جوهر جنبش توده های علیه دستگاه فاسد پهلوی، و تمام پیروزمند بهمین ماه، مبارزه برای کسب آزادی بود • دستگاه جنبشی قهر و ترور پهلوی هرگونه آزادی سیاسی و مدنی را از مردم سلب کرده بود • مردم علیه این دستگاه بلند شدند و قیام کردند تا اوضاع را بنفع خود عوض کنند و از حقوق انسانی و آزاد بهای سیاسی و مدنی برخوردار شوند • قانون اساسی پیشنهادی دست رد به سینه همه این خواسته ها میزند و هرگونه تلاش مردم برای استقرار آزادی را غیرقانونی اعلام می کند •

دولت پلیسی یا حقوق مردم؟

آزادی بیان و عقاید، آزادی تظاهرات و جمعاعات، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و غیره حقوقی بودند که مردم برای کسب آنها به جنگ دولت پلیسی شاه رفتند • در قانون اساسی پیشنهادی، نه تنها هیچ صحبتی از سنن این مبارزه نشده، بلکه مبنای اصول مختلف این قانون اساسی بر پایه همان آداب و سنن دولت پلیسی قبلی قرار گرفته است •

قانون اساسی پیشنهادی بجای آنکه بیانیه ای برای حقوق مردم را در برداشته باشد، بجای اینکه اصول آزاد بهای انسانی را ارائه دهد، اصول محدود کردن و سرکوب کردن این آزادی ها را صادر می کند • قانون اساسی بجای اینکه حقوق انسانی و آزادی های سیاسی و مدنی را بعنوان حقوق خدشه ناپذیر و انسانی همه افراد تصریح

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید |
|---|--|
| آزادی کامل بیان، عقیده، اجتماعات و احزاب • | لغو آزادی بیان و عقیده و احزاب سوسیالیستی و کارگری برای حفظ منافع سرمایه داران • |
| همه مبارزین انقلابی در بند آزاد گردند | دستگیری و زندان مبارزینی که علیه منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ مبارزه می کنند • |
| آزادی بدون قید و شرط هرگونه انتشارات • دولت امکانات لازم را در اختیار کارگران و زمینداران و احزاب و سازمان های آنان برای نشر عقایدشان را تهیه کند • | تنها مطالبی که منافع سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار را دربر می گیرد آزادی انتشار داشته باشند • نشریات کارگری و سوسیالیستی سرکوب گردند • |
| آزادی کلیه احزاب بدون قید و شرط تأمین و تضمین گردد • | احزاب سرمایه داری آزاد باشند • احزاب کارگری و سوسیالیستی سرکوب شوند • |
| مذهب از دولت تفکیک شود، آزادی و تساوی همه مذاهب تأمین و تضمین گردد • | دولت با مذهب ترکیب شود • مذهب اسلام شیعه اثنی عشر مذهب غالب باشد، آزادی و تساوی سایر مذاهب انکار گردد • |
| دادگاه های علنی با حضور هیئت منصفه منتخب • | دادگاه های در بسته، بدون حضور مطبوعات و هیئت منصفه • |
| لغو کلیه مجازات های غیرانسانی و توهین آمیز نسبت حرمت انسانی • | استقرار مجازات های غیرانسانی از قبیل شلاق زنی در ملا عام • |

برای سرکوبی آزادی بسی مشهود و آشکار است .
 در قانون اساسی پیشنهادی ، آزادی بیان مجدد در انحصار خدمت به طبقه سرمایه دار در آورده شده است . این اصل قانون اساسی می خواهد جلوی هرگونه آزادی بیان که به منافع آنها لطمه وارد کند ، را بگیرد ، جلوی دهان کارگر مبارزی که خواستار حقوق بیشتر است بگیرد ، جلوی اعتراض حق طلبانه عرب و ترکمن و خلق های مستبد به دیگر را بگیرد ، می خواهد جلوی دهان زنان ، روستائیان ، و هر بخشی از جامعه را که تحت استثمار و ستم سرمایه داری است بگیرد .

در مورد "حیثیت و جان و مسکن و شغل" اشخاص که در اصل ۲۳ "محترم" و "موصون" شناخته است نیز این احترام و مصونیت نقطه نصب طبقه سرمایه دار و خدمتگاران آن میشود ، و اکثریت کارگر و زحمتکش از آن بی نصیب می ماند .
 عملکرد حکومت جدید ، پس از سرنگونی سلطنت پهلوی نشان داده است که سرمایه داری با حمله به کارگران ، با حمله به زنان ، با حمله و کشتار خلق های مستبد شده کرد ، ترکمن و عرب ، با حمله به روستائیان ، با حمله به حقوق دموکراتیک سربازان ، و غیره ، چگونه برای "تقید" ، حیثیت و مسکن و شغل" توده های کارگر و زحمتکش هیچ احترام و مصونیتی قائل نیست .

اصل ۲۲

اصل ۲۲ می گوید : " نامه های پستی و مکالمات تلفنی از بازرسی و ضبط مصون است . افشای مخابرات تلگرافی و تلکس ، عدم مخایره آنها و تجسس از طریق استماع مکالمه های تلفنی ممنوع است مگر به حکم قانون ."
 با این اصل ، سرمایه داری برای جاسوسی هایش در ارتباطات مردم زمینه - چینی "قانونی" میکند "سرمایه داری ، در دوران حکومت مطلقه سلطنت انوار و اتساق قوانین را اختراع کرد تا در جزئی ترین ارتباطات مردم دخالت و جاسوسی کند . و تا آنجا پیش رفت که حتی دیگر بدنبال مجوز قانونی برای جاسوسی هایش هم نبود . مردم این دولت پلیسی را با انقلاب خود جواب دادند . اگر مردم حکومت انقلابی خود را داشتند تمام اسناد و پرونده ها و شیوه ها و ابزار جاسوسی های سلطنت پهلوی در

ارتباطات مردم برای همه افشا می شد و تمامی عوامل این جاسوسی ها به همه شناسانده میشدند تا از این طریق ریشه این جاسوسی ها خشکانده شود . حکومت جدید سرمایه داری بخاطر منافع خودش بگذرد در این راه برن داشته است . بموض ، اصل ۲۲ قانون اساسی را پیشنهاد می کند تا دو باره بساط جاسوسی های گذشته را " بحکم قانون" سوار کند .
 حکومت جدید از همان اساس باقی مانده است از استبداد پهلوی ، یعنی همان دولت پلیسی ، حرکت می کند و در مقابل علییه حقوق مردم به "حکم قانون" همه آن غول بی شاخ و دم نظام پلیسی را حفظ می کند .

اصل ۲۵

اصل ۲۵ قانون اساسی پیشنهادی مسئله آزادی مطبوعات را مطرح می کند . طبق این اصل : " مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند . مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی یا توهین به شعائر دینی ، اتهام افترا و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص یا نشر اکاذیب . جرائم مطبوعاتی و کیفیت مجازات و رسیدگی به آنها را قانون معین می کند ."
 ولی مردم هیچ تمایلی به اتهام و افترا و تعرض به حقوق انسانی و یا نشر اکاذیب ندارند . این دروغ محض سرمایه داری است که وجود چنین گرایش هایی را به مردم کارگر و زحمتکش نسبت می دهد . این سرمایه داری است که منبع اتهام ، افترا ، تعرض به حقوق انسانی و نشر اکاذیب است .

در دوران حفقان پهلوی ، مردم وقتی که می گفتند که سلطنت ، سرمایه داران ، امپریالیست ها ، نفت خور هستند ، غارتگر هستند ، تیرباران می شدند ، چرا ، چونکه " عفت عمومی" را لکه دار کرده بودند .
 سرمایه داری ، حالا هم همانطور فکر می کند . حالا هم وقتیکه مطبوعات صدای منافع مردم را منعکس می کنند ، وقتیکه حقایق کشتار بیرحمانه خلق محروم عرب را درج کنند ، وقتیکه صدای آزاد بخواهی سربازان در پادگان ها را منعکس کنند و غیره ، از نظر سرمایه داری یا عفت عمومی لکه دار شده یا اتهام و افترا زده شده ، یا تعرض شده ، یا نشر اکاذیب شده . دوباره همان قانون سرمایه داری است که چماقش بر سر آزادی مطبوعات کوبیده می شود .

حمله حکومت به آزادی مطبوعات ، با حمله به آبدگان ، گیان ، تهران مصور ، آهنگر ، پیمان امروز ، بوض به همه نشان داد که سرمایه داری در رابطه با آزادی مطبوعات چه چیز در جتنه دارد .
 هدف از شرط و شروطی که در اصل ۲۵ برای آزادی مطبوعات قید شده ، محدود کردن و جلوگیری نمودن از بخش واقعیات حکومت زور و زر سرمایه داری است . در این میان شمیر تیز سانسور سرمایه داری بیش از همه با گلولی نثریات کارگری و سوسیالیستی تماس پیدا می کند . سرمایه داری نه عفت عمومی دارد و نه از اتهام زنی ، افترا پراکنی و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی مراست همه این مقولات در اصل ۲۵ مستمسکی برای سرکوبی آزادی در دست حکومت جدید سرمایه داری ایران است .

اصل ۲۶ و اصل ۲۷

اصل ۲۶ می گوید : " تشکیل احزاب ، جمعیت ها و انجمن های دینی ، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به این که استقلال ، آزادی ، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند . شرکت افراد در این گروه ها آزاد است و هیچکس را نمیتوان از شرکت در گروه دینی ، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروه ها مجبور ساخت ."
 طبق این اصل آزادی احزاب و سایر تشکیلات در جامعه سرمایه داری " باید و نباید" دارد . این اصل در حقیقت آزادی احزاب را در انحصار سرمایه داری درمی آورد . حکومت استبداد پهلوی نشان داد که سرمایه داری تا چه حد نقض کننده استقلال ، آزادی ، و حاکمیت ملی واقعی است .
 در مبارزه علیه این دستگاه استبداد ، کارگران و زحمتکشان بجمعه نشان دادند تنها نیروی که قادر به کسب استقلال آزادی و حاکمیت ملی است ، نیروی توده های محروم است .

شرط و شروطی که در اصل ۲۶ آمده است بطور خلاصه بعد ، سرکوبی هرگونه شکل سیاسی را می دهد که از منافع اکثریت حمایت کند و با منافع سرمایه داری در تخاصم باشد . از احزاب سوسیالیستی گرفته ، تا سندیکا - های مستقل مبارزاتی کارگری . در حقیقت قانون اساسی پیشنهادی ، چنین تشکیلهایی را که با " اساس جمهوری اسلامی" - که

همان حفظ حاکمیت سرمایه داری است - منافات دارد ، از پیش غیرقانونی کرده است . ولی حکومت سرمایه داری برای اعمال این قانون منتظر تصویب آن نشده است . حکومت کونی پرونده " نظوری از تجاوز به حقوق احزاب و تشکل های کارگری دارد . زندانی کردن ۱۶ سوسیالیست در اهواز نمونه زنده ای از این واقعیت است . قانون اساسی پیشنهادی در مورد آزادی احزاب نسخه جدیدی از قانون شوم ۱۳۱۰ است که طبق آن رضاخان احزاب " اشتراکی" را غیرقانونی اعلام کرد .

اصل ۲۷ می گوید : " تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماعات و راه پیمائی در خیابان ها و میدان های عمومی به موجب قانون معین خواهد شد . تظاهرات و اجتماعات چندین میلیون مردم در مبارزه علیه دستگاه منفور پهلوی به همه ثابت کرد که برای برگزاری اجتماعات مسالمت آمیز هیچ قانونی جز تقصیر آزادی بدون قید و شرط آن لازم نیست . قانون اساسی پیشنهادی ، علیه این تجربه ، علیه نیاز این مردم بلند می شود . و آزادی اجتماعات مسالمت آمیز را تابع مقرراتی میکند که توسط حکومت سرمایه داران و برای منافع خود ش رضع میگرد .

مذهب و دولت ، سانسور ، زندانیان سیاسی

در مورد آزادی مذاهب و تساری آنها ، نیز قانون اساسی پیشنهادی برای حق انسانی افراد خط بطلان می کشد . آزادی مذاهب بدون تفکیک دولت از مذهب ممکن نیست . ولی در این قانون اساسی تمام تاروپود دولت به " اسلام و مذهب جعفری" آفشته شده است . این قانونگزاری غیر- دموکراتیک نه تنها آزادی مذاهب را از مردم سلب می کند ، بلکه حق انسانی تساری مذاهب را هم با پایال میگرداند . این قانون اساسی نه تنها راه را برای سرکوبی آزادی تحت لوای دین و مذهب باز می گذارد ، بلکه خود نقض علی حق ملت های غیرشعبه ای - ایران است .

در مورد سانسور و زندانیان سیاسی ، قانون اساسی پیشنهادی وضع بهتری ندارد . سانسور و زندانیان سیاسی ، دو تا از ننگین- تین سنت های استبداد پهلوی بودند . بعد از بیروزی قیام ، اگر قانون اساسی توسط مردم نوشته میشد حتما و بدون هیچ قیود و شرطی سانسور و زندانی کردن افراد بخاطر عقاید شان صریحا غیرقانونی اعلام میشد .

قانون اساسی پیشنهادی در هیچ جا صریحا غیرقانونی بودن سانسور و زندانی کردن افراد بخاطر عقاید شان را اعلام نمیکند ولی بطور ضمنی هزار و یک راه را باز میگذارد تا هم بتوان سانسور اعمال شود و هم افراد را بخاطر عقاید شان زندانی کرد . حتی پیش از تصویب این قانون اساسی ، حکومت بازرگان علاقه و نیاز خود به اعمال سانسور و زندانی کردن افراد بخاطر عقاید شان را بوضوح نشان داده است . نمونه این امر اعمال سانسور در رادو و تلویزیون و تبدیل آن به مرکز تحریف اخبار است و همچنین مجاهدین خلق ، ۱۶ نفر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اهواز ، سه تن از کارکنان صنعت نفت اهواز ، ۲۱ تن از کارکنان کارخانه نورد اهواز ، و تعداد بیشماری از مبارزین خلق عرب در خوزستان ، و غیره ، که بخاطر عقاید شان زندانی شده اند .

میراث انقلابی ایران و آزادی های سیاسی

تاریخ معاصر ایران ، تاریخ مبارزه مرگ و



ستارخان و مجاهدین انقلاب مشروطه : قانون اساسی جمهوری اسلامی ۷۰ سال مبارزه برای آزادی را بیج میگرد

زندگی برای ایجاد جامعه ای دموکراتیک و حصول آزادی و استقلال بوده است. در انقلاب مشروطه، در مقابل سرکوبی و اختناق تاجار مردم خواستار حقوق خود شدند. از جمله این حقوق، حق آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، و مذهب بود. لکن با شرکت انقلاب مشروطه حقوقی که مردم بخواهستند آن دست به انقلاب زده بودند از آنها پس گرفته شد.

انقلاب دوم ایران پس از پایان سلطنت رضاشاه و بعد از جنگ دوم جهانی میراث انقلاب مشروطه را بشکل های مختلف احیا کرد. در انقلاب دوم مردم نه تنها خواستار حقوق از دست رفته انقلاب مشروطه شدند بلکه حقوق جدید خود را نیز طلب کردند. مانند حق تعیین سرنوشت ملیت های مستعده، حق تشکیل کارگران در اتحادیه.

های کارگری و غیره. با پیروزی قیام مردم علیه استبداد پهلوی و آغاز انقلاب مردم ایران، جامعه دو باره با وظیفه کسب همان حقوق و هدف ها کسبی مواجه است که انقلاب مشروطه و انقلاب دوم در مقابل داشت.

مبارزه برای درهم شکستن استبداد پهلوی و قیام پیروزانده بهمین ماه یکبار دیگر نشان داد که جز از طریق ایجاد جامعه ای دموکراتیک و مستقل از امپریالیسم راهی برای پیشرفت اجتماعی موجود نیست. تنها راه نجات کارگران و زحمتکشان برای فرار از آبرو دوزخی فقر و نکبت و عقب ماندگی ناشی از سلطه سرمایه داری و امپریالیسم، ایجاد جمهوری کارگران و کشاورزان و قدم گذاشتن در جاده سوسیالیسم است. قیام پیروزانده بهمین ماه، مبارزات مردم را در این شیوار

رها کرده است. قانون اساسی پیشنهادی تلاش جدیست سرمایه داری برای سد کردن پیشروی این انقلاب است. برای همین هم هست که در این قانون اساسی هرگونه آزادی های فردی و جمعی سلب شده است. این قانون اساسی می خواهد به تمامی پرورش هایی که حکومت بازرگان تاکنون علیه آزادی های فردی و جمعی مردم دست زده است لباس متحدالشکل و قانونی بپوشاند.

ترازنامه بیش از ۵ ماه حکومت بازرگان در رابطه با مسئله آزادی های سیاسی و مدنی در جامعه، که چیزی جز حمله به آزادی بیان، حمله به آزادی تجمعات، حمله به آزادی احزاب، حمله به آزادی مطبوعات و غیره نبوده است. محتوای واقعی قانون اساسی پیشنهادی پیرامون این آزادی ها را

نشان می دهد. قانون اساسی پیشنهادی در تمامی اصول مربوط به آزادی های سیاسی و مدنی، این آزادی ها را با اضافه کردن "مگر به حکم قانون" محدود می کند. این محدودیت های "قانونی" راه حله بیشتر به آزادی های انکارناپذیر سیاسی و مدنی فردی و گروهی اکثریت محروم جامعه و راه بازگشت ارتجاع را باز می گذارد. مقابله با این حملات سرمایه داری به آزادی های سیاسی و مدنی، و راه تأمین و تضمین دموکراسی در جامعه تنها در مبارزات مستقل توده ها نهفته است. این درس را مردم در مبارزه برای منهدم کردن استبداد پهلوی آموخته اند، و بدون شک آنرا در مبارزه برای حاکم کردن حقوق خود در یک قانون اساسی سرپا انقلابی، بکار خواهند گرفت.

قانون اساسی پیشنهادی راه ادامه مبارزه علیه امپریالیسم را مسدود می کند

مهدی جوادی

و تمامی دفاتر حساب و کتاب این سرمایه داران خارجی باز شود تا همه مردم بدانند که چه اندازه و چگونه غارت شده اند. قانون اساسی پیشنهادی در هیچ کجا این حق مردم ایران را برسمیت نمی نشاند.

مبارزه علیه امپریالیسم، و مبارزه برای کسب استقلال واقعی یعنی اینکه تمامی قرارداد های اقتصادی که قدرت های امپریالیستی برای منافع بیشتر خودشان بر مردم محروم ما تحمیل کرده اند بدون پرداخت غزات لغو گردند. قدم ضروری در این راه افشای تمامی اسرار این قراردادها و آگاهی مردم زحمتکش از حقایق مربوط به این قراردادهاست.

در دوران سیاه پهلوی مردم از حق کوچکترین اظهار نظر و اطلاع از برنامه ها و عملیات اقتصادی محروم بودند. مبارزه علیه دستگاه پهلوی و پیروزی قیام این احساس را در کارگران و زحمتکشان برانگیخته است که تمامی فعالیت های اقتصادی کشور باید علنی و با اطلاع همه و شرکت و تصمیم گیری خود مردم صورت گیرد. این تنها شکلی است که اقتصاد مملکت می تواند در خدمت منافع توده های کثیر قرار گیرد. در عرض همین نیاز توده های زحمتکش، قانون اساسی جدید

امپریالیستی از طریق سرمایه های کلانی که در بانک ها و شرکت ها و کارخانهای ایران دارند سود های سرشاری بچیب می زنند و در عوض فقر و نکبت و عقب ماندگی بیشتر برای توده های محروم می آورند.

قطع یوغ امپریالیسم، قبل از هر چیزی، یعنی که تمامی این دارائی ها و سرمایه های امپریالیستی به نفع توده های محروم، بدون پرداخت و پتاری غزات مضاعف و ملی شود. منافع کارگران و زحمتکشان چنین حکم میکند. قانون اساسی پیشنهادی، بوضوح، راه حفظ و حراست از منافع سرمایه داران داخلی و حامیان و اربابان خارجی آنها را در پیش می گیرد. اصل ۴۰ بوضوح می گوید: "مالکیت شخصی که از راه مشروع بدست آید محترم است و حدود آن را قانون تعیین می کند. چطور ممکن است که بتوان از استقلال واقعی مملکت از امپریالیسم زد و در عین حال تحت عنوان "احترام" به "مالکیت شخصی که از راه مشروع بدست می آید" اجازه داد تا بار چپاول ها و غارت های عظیم سرمایه داران امپریالیستی همچنان برگردد. مردم محروم سنگینی کند.

در مبارزه برای مضاعف سرمایه های خارجی لازم است تا تمامی اسرار معاملاتی بانک ها و شرکت های غول بیک

قانون اساسی پیشنهادی، در مقابل توده های محروم که برای نزدیک به یک قرن در چنگال های استعمار امپریالیستی زندانی بوده اند، بدفاع از منافع امپریالیست ها برمی خیزد و به این غارتگری ها پوشش قانونی می دهد.

استقلال کشور یعنی مبارزه برای قطع یوغ امپریالیسم آمریکا، و سایر قدرت های امپریالیستی است. به این معنی است که تدرت توده کارگر و زحمتکش علیه تمامی روابط اسارت بار و استعماری غول های امپریالیستی بسط شود. این روابط به نفع توده مردم قطع شوند، و تمامی ریشه های غارتگری و چپاول امپریالیسم خشکانده گردند.

وقتی که مسئله استقلال کشور را از این زاویه واقعی بررسی کنیم، می بینیم که قانون اساسی نه تنها کوچکترین قدم اساسی در مبارزه برای کسب استقلال را پیشنهاد نمی کند، بلکه بالعکس همه روابط استعمارگرانه امپریالیست ها را با برجا و قانونی می گذارد.

مصادره سرمایه های امپریالیستی،

افشای اسرار معاملاتی

بانک ها و شرکت های غول بیک

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید |
|---|--|
| روابط با امپریالیسم | قطع کامل یوغ امپریالیسم و استقلال واقعی ایران |
| سیاست خارجی | لغو دیپلماسی سری، سیاست ضد امپریالیستی و همبستگی با همه کارگران و ستمدیدگان جهان |
| اسناد ۵۰ سال استبداد پهلوی | افشای کلیه اسناد روابط امپریالیسم آمریکا و استبداد پهلوی، افشای تمام اسناد روابط حکومتی اقتصادی و سازمان های سیا و ساواک |
| قرارداد های نظامی با امپریالیسم | لغو کلیه قرارداد های نظامی امپریالیسم و افشای کلیه اسناد آن |
| کمیته های امپریالیست در ایران و تجارت خارجی | ملی کردن کلیه این کمیته ها بدون پرداخت و پتاری غزات و برقراری انحصار دولتی تجارت خارجی |
| مستشاران و کارشناسان امپریالیسم | اخراج فوری کلیه این مستشاران |
| بدی های ایران به بانکهای جهانی | عدم پرداخت این بدی ها و برنامه ریزی برای اجرای طرح های عام المنفعه |

ادب و سنن دوران استبداد پهلوی را احیا می‌کند و همچنان مردم را از حق اطلاع و تصمیم‌گیری در امور اقتصادی کشور، از جمله در مورد قراردادها و اسرار معاملات محروم می‌دارد.

امپریالیسم‌ها محروم نگاه می‌دارد.

مسئله دیگر چندین میلیارد دلار وام‌های است که سرمایه داران و باند پهلوی، در دوران سبادت قبلی، برای برنامه‌های چپاولگری‌های خود، از بانک‌های امپریالیستی قرض کرده‌اند. منافع مردم حکم می‌کند تا تمامی این بدهی‌ها، که سالانه، مبالغ عظیمی فقط بعنوان بهره‌نصب جیب‌بنداندگان امپریالیستی می‌کند، بدون پرداخت فراتر از منافع اعلام شوند. قانون اساسی پیشنهادی، در این مورد هم، مثل همه موارد، متصد به دفاع از منافع سرمایه‌داری است و کوچکترین اشاره‌ای به لغو بدون فراتر این وام‌ها نمی‌کند.

لقو افشای قراردادها و اسرار نظامی و جاسوسی

امپریالیسم آمریکا از طریق قرارداد های نظامی و جاسوسی متعددش با پاند وحشی سلطنت، ایران را به یکی از بزرگترین پایگاه‌های نظامی‌اش برای سرکوبی مردم زحمتکش ایران و کشورهای دیگر تبدیل کرده بود. هیچ کس، جز امپریالیست‌ها، سرمایه‌داری ایران، و دستگاه سلطنتشان، از اسرار این قراردادها خبری ندارد. حکومت جدید سرمایه‌داری کوچکترین قدمی در راه افشای اسرار نظامی و جاسوسی سلطنت و امپریالیسم برنداشته است. در ظاهر، عضویت ایران در پیمان نظامی سنتو منلی اعلام شده است. ولی پیمان نظامی سنتو منلی معنی واقعی کله از نظر مردم ایران منلی می‌شود که تمامی اسرار و برنامه‌ها و خد متکاران آن پیش چشم همه افشا شوند. همه از اسرار لشکرکشی‌های شاه به ظاهر باخبر شوند، همه از اسرار توطئه‌های نظامی شاه و امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران، کرد‌های عراق، بلوچ‌های پاکستان و غیره باخبر شوند، همه بدانند که چه کسانی مجربان این مقاد نظامی امپریالیست‌ها بودند.

بدون این افشاکاری‌ها، سرمایه‌داری ایران، و امپریالیست‌ها هر زمان که اوضاع را برای خود مساعد ببینند دوباره می‌توانند با هر آنچه که از دوران سلطنت پهلوی برایشان مانده، دوباره طرح‌های نظامی جدید برای سرکوبی مردم بریزند. بهمین خاطر است که قانون اساسی جدید به نیاز مردم تحت استعمار و تنم پشت پا می‌زند، و یک کله در باره افشای اسرار قرارداد های نظامی با امپریالیست‌ها ذکر نمی‌کند.

در مورد اسرار عملیات جاسوسی مخوف سیا، موساد، و ساواک، نیز قانون اساسی پیشنهادی ترجیح می‌دهد که مردم در تاریکی و جهل باقی بمانند و کوچکترین اشاره‌ای به لزوم افشای اسناد این سازمان‌های جاسوسی و شکنجه و تئور نمی‌کند.

تجربه حکومت بازرگان

مبارزه علیه امپریالیسم به این معنی است که هرگونه ارتباط اقتصادی، سیاسی و غیره با کشورهای امپریالیستی در نظر گرفته‌اید و برای مردم آشکار و روشن باشد و این مردم باشند که تصمیم بگیرند که برای منافع خود چه روابطی با این کشورها داشته باشند و چه روابطی نداشته باشند. قانون اساسی جدید در این مورد کوچکترین حقی برای مردم قائل نیست.

سیاست‌های چند ماهه حکومت جدید سرمایه‌داری ایران منلی محتوی قانون اساسی

جدید در رابطه با مبارزه علیه امپریالیسم را روشن می‌سازد. در بیش از ۵ ماه عمر حکومت خمینی، بازرگان تمام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره در رابطه با قدرت‌های امپریالیستی در پشت سر مردم و بدون نظارت و تصمیم‌گیری مردم صورت گرفته است. اگر بعد از قیام حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان سرکار می‌آمد همه اسناد ساواک، موساد، قرارداد های نظامی، و اقتصادی، و تمام اسناد روابط حکومت سلطنت پهلوی و امپریالیسم آمریکا و سایر قدرت‌های امپریالیستی را برای همه فاش می‌ساخت و تمامی باقی‌مانده مستشاران امپریالیستی را اخراج می‌کرد. حکومت جدید با گذشت بیش از ۵ ماه هنوز کوچکترین قدمی در این راه برنداشته است. در عوض، مقامات حکومتی صحبت از این می‌کنند که برای پاره‌ای احتیاجات تکنیکی به مستشاران آمریکائی نیاز هست، به نوعی "بازمان

امپریالیسم آمریکا، و کل امپریالیسم

امپریالیسم آمریکا، و کل امپریالیسم

مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس نشده است.

جهانی، از طریق سرمایه‌های عظیمی که در ایران دارد، از طریق قرارداد های اقتصادی که منافع آنها را دربر می‌گیرد، از طریق قرارداد های پنهان و آشکار سیاسی و نظامی، و از طریق دستگاه‌های جاسوسی شان، برای سالیان دراز توده‌های مردم را سفت و سخت در چنگال‌های استعمار غلظت‌گرانه خود اسیر کرده بودند. سرنگونی سلطنت پهلوی با قیام بهمن ماه، ضربه بسیار سختی به امپریالیسم زد، و آنها از بهترین ابزار چپاول و غارتش در این کشور محروم ساخت. ولی با پیروزی قیام چنگال‌های استعمار امپریالیستی سست شده ولی قطع نگردیده است. پیروزی انقلاب با مسئله قطع کامل روابط سلطه‌گرانه امپریالیسم مواجه است. مبارزه علیه امپریالیسم، دقیقاً بخاطر قدرت عظیم اقتصادی و نظامی‌اش، نیازمند اصال قدرت عظیم از عمق توده‌های مردم، و از محرومترین بخش‌های جامعه است. مبارزه علیه استبداد پهلوی و پیروزی قیام به همه ثابت کرده است که تنها قدرت بسیج یافته کارگران و زحمتکشان است که می‌تواند مبارزه علیه امپریالیسم را به جلو ببرد و کسب استقلال واقعی را به پیروزی برساند.

مبارزه علیه امپریالیسم یعنی اینکه مبارزه کارگران علیه کارفرماها به پیش برود و بجای حاکمیت کارخانه داران استوارگر، کنترل‌کارگری بوجود آید.

مبارزه علیه امپریالیسم یعنی اینکه مبارزه روستائیان علیه زمینداران سرمایه‌دار به پیش برود، و تمامی زمین‌های بزرگ به کسانی که آنها می‌گازند تعلق بگیرد.

مبارزه علیه امپریالیسم یعنی اینکه مبارزه

امنیته برای مقابله با "جاسوسی‌های خارجی" نیاز هست، و غیره.

اصل ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳

اصل‌های ۶۰ تا ۶۳ قانون اساسی پیشنهادی نحوه تصمیم‌گیری در باره برقراری انواع قراردادها، استعمار مستشاران، و دریافت وام‌ها از کشورهای دیگر را مشخص می‌کند. این اصول بشرح زیر هستند:

اصل ۶۰: "دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است."

اصل ۶۱: "عهدنامه‌ها و مقابله‌نامه‌های بین‌المللی و قرارداد های دیگر از این قبیل باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد."

اصل ۶۲: "استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولت در حد احتیاج و ضرورت باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد."

اصل ۶۳: "گرفتن و دادن وام و کمک‌های بدون عوض از طرف دولت ام از داخله و خارجه باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد."

این قوانین بصورت کم و بیش مشابه در قانون اساسی قبلی، از دوران مظفرالدین شاه تا دوران استبداد محمد رضا شاهی نیز قید شده بودند. تجربه تمام مجالس شورای ملی تاکنون نشان داده است که سرمایه‌داری و سلطنت همیشه توانسته‌اند از این مجالس برای تحصیل قرارداد های استعمارگرانه

خلق‌های ستمدیده، کرد و ترکمن و عرب و ترک و بلوچ و غیره، برای کسب حقوقشان به پیش برود.

مبارزه علیه امپریالیسم یعنی اینکه مبارزه زنان برای کسب حقوق مساوی و آزادی همه پیش برود و آنها را از زیر بار ستمی که آنها را به اتباع درجه دوم جامعه تقلیل داده است رها شوند.

مبارزه علیه امپریالیسم یعنی اینکه مبارزه برای گسترش و تأمین و تضمین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی و مدنی به پیش برود و آزادی در جامعه حکمفرما شود.

قانون اساسی پیشنهادی علیه تمامی این مبارزات بلند می‌شود، و در مقابل هر بخش از خواسته‌های اکثریت محروم، از منافع اقلیت سرمایه‌دار حاکم به دفاع برمی‌خیزد. از این نقطه نظر نیز قانون اساسی پیشنهادی منتهی مخالفتش با مبارزه علیه امپریالیسم را آشکار می‌سازد.



مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس نشده است.

هم شرقی و هم غربی

انقلاب کنونی مردم ایران، میراث جنبش‌های انقلابی گذشته مردم را با خود دارد - جنبش تنباکو، در اواخر قرن نوزدهم، که علیه قرارداد های تحمیلی کشورهای سرمایه‌داری غرب صورت گرفت، انقلاب مشروطیت که علیه استعمار روسیه تزاری، و امپریالیسم انگلستان صورت گرفت و انقلاب دوم ایران، در فاصله جنگ دوم جهانی و کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب کنونی، آداب و سنن این مبارزات را با خود دارد.

قانون اساسی پیشنهادی، در عوض، تمامی پایه‌های عقباتدگی و استبداد شرقی کشور را با نیازهای امپریالیسم غرب در هم ادغام کرده است، و ترکیبی از اینست و علیه منافع مردم محروم ایجاد کرده است. این قانون، برخلاف ادعای مبلغین سرمایه‌داری، هم شرقی و هم غربی است. این واقعیت است که قانون اساسی پیشنهادی با دم زدن از "عزت کامل استقلال سیاسی و اقتصادی کشور" (اصل ۸) سعی در پوشش آن دارد. غیبت از استقلال کامل سیاسی و اقتصادی بدون افشای قرارداد های اقتصادی، سیاسی و نظامی با امپریالیسم، بدون سلب مالکیت از ثروت‌های امپریالیست‌ها در ایران، و بدون بسیج توده‌ها برای مقابله در مقابل مقاومت امپریالیست‌ها یعنی است. این چیزی است که کارگران و زحمتکشان دارند به آن واقف می‌شوند و بطریق قانون اساسی جدید، مبارزه علیه امپریالیسم را ادامه می‌دهند.

قانون اساسی جدید: حقوق دموکراتیک برای سربازان یا خودکامی تيمسارها

نهاد عری



ارتش شاه: قانون اساسی جدید با محروم کردن سربازان از حقوق دموکراتیک خود راه بازگشت ارتجاع و امپریالیسم را هموار می‌کند.

سوسیالیست‌ها دربارهٔ ارتش چه می‌گویند

سوسیالیست‌ها همیشه در تحلیل مسائل سیاسی از معیارهای طبقاتی استفاده می‌کنند. هیچ دولتی در خلا زندگی نمی‌کند و ماورای طبقات نیست. هر دولتی پایه‌ای طبقاتی دارد و از خواست‌های طبقه وابسته به آن دفاع می‌کند. لذا ارتش هر دولتی نیز در خدمت طبقه‌ای است که دولت را در دست دارد. همان‌طور که دولت‌خیمین-بازرگان ماورای طبقات قرار ندارد و در عمل نشان داده که از حقوق طبقات سرمایه دار-زمین-دار دفاع می‌کند، ارتش جمهوری اسلامی هم در عمل نشان داده که از منافع همین طبقات دفاع می‌کند.

از نقطه نظر سوسیالیست‌ها دموکراتیک سازی ارتش وظیفه مبرم انقلاب می‌باشد. البته این نه برای سرنگونی سرمایه داری است (برای آن منظور سازمان‌های دیگر لازم است) بلکه دموکراتیک سازی از ضروریات دفاع در مقابل بازگشت ارتجاع و امپریالیسم می‌باشد. ارتشی را که نیم قرن پیش رضاخان بکسک امپریالیسم انگلیس ساخت و محمد رضا شاه به کمک امپریالیسم آمریکا با آخرین وسائل سرکوبی مجهز کرد، آلت نفوذ امپریالیسم و پایگاه داخلی آن یعنی سیستم سرمایه داری است. بدون دموکراتیک سازی کردن این ارتش نمی‌توان ماهیت این پایگاه ارتجاع را تغییر

اقلیت سرمایه دار و زمیندار فرمانده و بک اکثریت عظیم کارگر و زحمتکش بی‌چیز و فرمانبر تقسیم شده است. سربازان در همه جا برای بستن راه بازگشت، دوباره به زندگی سرده وار سابق خواهان اعلام حقوق دموکراتیک خود - حق آزادی بیان و عقیده، پیوستن به احزاب سیاسی، حق انتخاب فرماندهان خود و... شدند.

لکن حکومتی که در اثر قیام بهمن ماه قدرت رسید سودائی دیگر در سر داشت. حکومت سرمایه داران نیازمند بود که دوباره سربازان بدون برخورداری از هیچگونه حقی و تحت همان دیسیپلین و نظام سابق به پادگان‌ها برگردند. تيمسارها و فرماندهان علویم خواست سربازان يك به يك منصوص شدند. سربازان از آزادی‌های سیاسی و مدنی محروم شدند و کوشش همه جانبه برای دوباره منزوی و منفرد کردن سربازان از حیات اجتماعی و سیاسی آغاز گشت. قانون اساسی جدید نیز چیزی جز قانونی اعلام نمودن این حملات به حقوق سربازان در بر ندارد. قانون اساسی جدید، با پامال کردن همه حقوق سربازان در پی بازسازی همان ارتشی است که برای بیش از ۵۰ سال مأمور خفه کردن هر نوع صدای مخالفت و سرکوب کردن کوچکترین حرکت کارگران و زحمتکشان این مملکت بود.

ارتش جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داری است

پس از پیروزی قیام خواست توده‌ها این بود که ارتشی از آنان شود. این به چه معنی بود؟ آنان خواستار دموکراسی کامل در ارتش بودند تا فرماندهان بصورت دموکراتیک و پس از بحث سیاسی و جهت‌گیری لازم توسط خود سربازان انتخاب گردند. آنها خواهان احیا شوراهای سربازی بودند تا ضامن استقرار دموکراسی و آزادی در ارتش باشند. مبارزات وسیع همافران بعد از قیام این خواست‌ها را مطرح کرد که خود گواه عمیق خواست زحمتکشان ایران بود. ولی این خواست‌ها مخالف منافع سرمایه داران زمین-داران است زیرا ارتش باید بعنوان نیروی سرکوبگر از دستورات آنان بدون چون و چسرا اطاعت کند. رژیم خیمین-بازرگان از همان

در طرح پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچیک از خواست‌های توده سربازان منعکس نشده است. یکی از خواست‌های اساسی مردم ایران در مبارزات اخیر حصول دموکراسی و آزادی در تمام ارگان جامعه می‌باشد. تجربه مبارزات علیه استبداد پهلوی نشان داد که بخاطر وجود اختناق شدید در ارتش و اختیارات نامحدود تيمسارها و فرماندهان، نه تنها سربازان از کلیه حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی و مدنی محروم بودند، بلکه سلطنت و تيمسارها و مستشاران آمریکائی از ارتش بعنوان آخرین وسیله برای نجات سلطنت و سرکوبی انقلاب استفاده کردند.

اولین درس قیام پیروزمند بهمن ماه در مورد ارتش این بود که توده سربازان که همان فرزندان کارگران و زحمتکشان این مملکت هستند، خواستی جدا از خواست‌های توده‌های وسیعی که برای سرنگونی سلطنت مبارزه کردند ندارند. توده مردم کوشش قهرمانانه‌ای کردند تا دیوار انزوا و انفرادی را که تيمسارها بدور سربازخانه‌ها کشیده بودند و بدینوسیله سربازان را از توده مردم جدا کرده بودند بشکنند. در حقیقت فریاد "برادر ارتشی چرا برادر کشی"، فراخواندن سربازان به مبارزه سیاسی همراه و همبای همه زحمتکشان و ستمدیدگان این اجتماع بود. انقلاب انزوی تحمیلی و اختناق و سرکوب وحشیانه در سربازخانه‌ها را شکست همافران و بدنبال آنان توده سربازان و درجه داران محروم به انقلاب پیوستند و وارد حیات اجتماعی و سیاسی کشور شدند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، هیچ يك از این سنن انقلاب تاریخی ما منعکس نشده است. نه تنها این بلکه خواست‌های اساسی سربازان یعنی برافزاندن اختناق و بردگی تيمسارها در سربازخانه‌ها، لگدکوب شده است. در همه جای دنیا سرمایه داری برای حفاظت از منافع خود به ارتش تکیه و سلسله مراتب آن احتیاج دارد. سرمایه‌داری ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. لکن قیام پیروزمند بهمن ماه کل نیاز به ارتش ثابت و سلسله مراتب آن را به زیر سؤال کشید. معلوم شد که سلسله مراتب ارتش چیسز نیست جز عکس‌برگردان کل‌اجتماعی که بین يك

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه‌دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | آنچه که هیئت حاکمه سرمایه‌دار می‌گوید |
|--|--|
| حقوق سربازان | محروم کردن سربازان از حقوق دموکراتیک |
| پادگان‌ها | سرکوبی آزادی بیان و عقیده توسط تيمسارها و ممنوعیت مطالعه بسیاری از جراید و نشریات و کتب در پادگان‌ها |
| سربازان و فعالیتهای سیاسی | ممنوعیت شرکت سربازان در اجتماعات خارج از پادگان و عضویت در احزاب سیاسی |
| فرماندهان | انتصاب همه فرماندهان از طرف دولت سرمایه داری |
| سلسله مراتب ارتش | استحکام سلسله مراتب ارتش و حمایت از خودکامی تيمسارها |
| سلح کردن مردم | خلع سلاح مردم و استقرار مجدد پلیس و ژاندارمری برای حفظ منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ |
| | انتخاب همه فرماندهان توسط خود سربازان و پرسنل نیروهای مسلح |
| | از بین رفتن سلسله مراتب در ارتش |
| | سلح کردن همه مردم و کمیته‌ها و شوراهای کارگران و دهقانان در مقابل تهاجم سرمایه داران و زمینداران بزرگ و انحلال پلیس مخفی، پلیس و ژاندارمری |

داد. برای حصول این حواست سوسیالیست ها همواره خواستار تحلال دستگاه های خفقان زا و سرکوبگر سرمایه داران می باشند. پلیس و ژاندارمری باید منحل گردند. وظایف حفظ نظم در شهرها و در روستاها را باید گروه های مسلح مردم و کارگران و دهقانان بعهده گیرند. به خفقان در ارتش باید خاتمه داده شود. سلسله مراتب ارتش باید

لغو گردد. دموکراسی باید به ارتش بسط داده شود و سرایان از حقوق سیاسی و مدنی کامل برخوردار شوند. رهبران و فرماندهان ارتش باید توسط کمیته های سرایان و رأی سرایان انتخاب شوند. برای دفاع از اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان در مقابل حلات سرمایه داران و امپریالیسم، برای دفاع از حیات جمهوری

کارگران و دهقانان، باید همه مردم مسلح شوند. تشکیل قشون مجاهدین در زمان حیات انجمن تهریز در انقلاب مشروطیت، نمونه ای بی بدیل از تشکل قشون مردم است. کمیته هایی که در مبارزه علم سلطنت از میان توده ها سر برآوردند نشان دادند که چگونه کارگران و زحمتکشان قادرند نیروهای متشکل و مسلح خود را بوجود آورند. گارد.

های دفاعی خود کارگران در کارخانه ها، در صنعت نفت نیز همین مطلب را نشان داد. با گسترش هرچه بیشتر اینگونه سازمان های دفاعی در سطح شهری و یا در مراکز کار کارگران، و در روستا هست که سرایان، این فرزندان جمعیت زحمتکش، ریشه های طبقاتی شان پیوسته به آنان گوشزد شده و به جانب کارگران و زحمتکشان جلب خواهند شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی و صنایع، بانک ها، شرکتهای بیمه

فرامرز کشاورز

قانون اساسی، بانکها و شرکتهای بیمه

بانک ها یکی از مهمترین مراکز فعالیت های اقتصادی جامعه می باشند و کنترل آنها از طرف بانکداران سرمایه دار باین معنی است که سرمایه داران قادرند از طریق این شاهرک اقتصاد کشور، انباشت سرمایه و نقل و انتقال آنرا برای مکیدن خون کارگران و زحمتکشان در کنترل خود نگهدارند.

امپریالیسم نیز از طریق کنترل بانک ها میتواند تمام معاملات و عملیاتی اقتصادی مملکت را تحت کنترل بانک های خود و در خدمت کمپانی های غول بگیرش قرار دهد.

بانک ها در ایران، طی سالیان دراز خود وسیله ای برای سودجویی سرمایه داران بانکداران از طریق پرداخت وام با بهره های گزاف و دستگاهی برای تسهیل چسباندن سرمایه داران و خروج ثروت های متعلق به زحمتکشان به خارج از کشور بوده اند. صحبت کردن از تنظیم امور اقتصادی بطوریکه تولید و توزیع کالا در جهت نیازهای مردم انجام بگیرد و در عین حال نادردها را برطرف می کند، ملی کردن بانک ها و ادغام همه آنها در یک بانک واحد تحت کنترل کارکنان و کارمندان بانکها، بی مورد می باشد. فقط کنترل بانک ها - یعنی مرکز و محور اصلی و ماشیسم - فعالیت های اقتصادی - است که با کارگران و زحمتکشان، اجازه خواهد داد که کلیه عملیات اقتصادی را در مجرای منافع اکثریت جامعه به حرکت درآورند.

دولت بازرگان چندی پیش بخطا ورشکستگی بانکهای کشور و عدم توانایی خدمت آنها به سرمایه داران، اقدام به دولتی کردن بانک ها نمود. اما در پیش نویس قانون

این قانون دوباره دست همه چپاولگران داخلی و خارجی در این مملکت برای سوار شدن بر گرده کارگران و زحمتکشان نیاز گذاشته شده است. در سرتاسر پیش نویس قانون اساسی حتی نام "امپریالیسم" هم ذکر نشده است. در هیچ اصلی دربارہ لزوم مبارزه برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم از طریق خلع ید از کلیه مالکیت های امپریالیستی در ایران و لغو قراردادهای اسارت آور نظامی، مطلبی بیان نیامده است. در این قانون اساسی حتی کلمه ای هم دربارہ لزوم بر ملا کردن اسرار معاملاتی کمپانی های امپریالیستی و حق عموم مردم ایران برای اطلاع دربارہ میزان ثروت این شرکت ها و سرمایه گذاری های آنان ذکر نشده است.

اصل ۴۰ این پیش نویس میگوید: مالکیت شخصی که از راه مشروع به دست آید محترم است و حدود آن را قانون معین می کند. واضح است که بر طبق این اصل، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید قانونی است. یعنی سرمایه داران می توانند در هر رشته که صلاح بدانند سرمایه گذاری کنند و از طریق استثمار کارگران پول های کلان به جیب بزنند و از این طریق فعالیت های اقتصادی جامعه را که باید در جهت منافع عمومی باشد - تحت کنترل خود و در جهت منافع سودجویی خود قرار دهند. کلمه "راه مشروع" نیز در این میان نقش عوامفریبانه ای بازی می کند زیرا همه کارگران می دانند که سرمایه - سرمایه داران تنها از طریق استثمار کارگران بدست می آید و هیچ طریقه انسانی و مشروطی برای انباشت سرمایه وجود ندارد.

داران داخلی هیچگاه قدرت فعالیت های مستقل از امپریالیسم را نداشته اند. حیات سرمایه داری در ایران بدون وابستگی به امپریالیسم غیر ممکن است و دلیل تمام فلاکت ها و عقب افتادگی جامعه ما حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری می باشد.

اکنون پس از گذشت ۲۰ سال از انقلاب مشروطه و از اولین مبارزات مردم برای رهایی از یوغ امپریالیسم و استبداد، شرایطی ایجاد گشته تا مردم زحمتکش این مملکت بتوانند به نظام چپاولگرانه سرمایه داری و سلطه امپریالیسم در این کشور خاتمه دهند و صنعت و تکنولوژی را از وسیله ای برای پر کردن جیب سرمایه داران و بانکداران به وسیله ای برای پیشرفت مملکت، صنعتی کردن کشور و رفاه همگانی تبدیل کنند. اما سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار، پس از سرنگونی سلطنت - که سالها بود بزور سزینزه از ثروت و مکت آنان محافظت می کرد - بیگار ننشستند و برای حفظ سلطه خود در غیاب سلطنت، به نقشه چینی پرداختند. آخرین کوشش ایشان در این راه، لغو مجلس مؤسسان و کوشش برای تحمیل قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی علاوه بر واقعیت کنونی جامعه یعنی تقسیم آن بین یک اقلیت کوچک صاحب زور و زر و یک اکثریت عظیم زحمتکش و فاقد هرگونه حقوق بشری، صحنه می گذارد. طریقه این صحنه گذاری نیز چیسز دیگری جز تأکید قانون کلی سرمایه داری نیست: حق مالکیت سرمایه داران و زمین - داران بزرگ محفوظ و حتی "مقدس" است. نگاه کوتاهی به قانون اساسی جدید نشان می دهد که چگونه از طریق مفاد مختلف

در عصر پیشرفت های عظیم علمی و زمانی که ماشین و تکنیک برای بارآوری بیشتر کار افراد، در شهر و روستا در دست است، ایران کشوری عقب افتاده است که هر روز فشار فقر و بدبختی بر دوش کارگران و زحمتکشان افزایش می یابد و علیضغ میلیاردها دلار پول نفت، تورم و بیگاری و فقر و گرسنگی، کمبود بهداشت، مسکن و وسائل رفاهی و صد ها مورد دیگر، از عدم برآوردن شدن احتیاجات اولیه بشری، زندگی کارگران و زحمتکشان را تهدید می کند.

شش سال پیش درآمد حاصل از صدور نفت به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافت و سالیانه در حدود ۲۲ میلیارد دلار به ایران سرازیر شد. اما تأثیر آن در سطح زندگی مردم چیزی جز ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان نبود. درآمد نفت بالا رفت، ولی هیچکدام از نیازمندی های مرتفع نشد. حتی کیفیت زندگی برای توده عظیم مردم زحمتکش سخت تر و غیر انسانی تر گردید.

تناقض بین بالا رفتن درآمد نفت و وخیم تر شدن اوضاع زندگی توده زحمتکش چیزی جز نتیجه عملکرد نظام سرمایه داری حاکم بر اقتصاد کشور نمی باشد و رمز این عملکرد غیر انسانی در این است که صاحبان قدرت و ثروت در ایران، این اقلیت اجتماعی بسیار کوچک، همه چیز را انطور ترتیب می دهند تا ثروت بیشتری به جیب بزنند.

جامعه ایران جامعه ای است عقب مانده که بخشی از جهان تحت سلطه امپریالیسم را تشکیل می دهد. از نقطه نظر تاریخی، سرمایه داری در ایران از همان آغاز تحت نفوذ جوامع پیشرفته غرب رشد کرد و سرمایه

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید |
|---|--|
| کنترل کارگران بر تولید از طریق شوراهای کارگری منتخب خود کارگران. | کنترل تولید دردست سرمایه داران و جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگران. |
| از بین بردن بیگاری از طریق کاهش ساعات کار و اجرای برنامه های وسیع عام المنفعه. | ادامه بیگاری برای جلوگیری از پائین آمدن منفعت سرمایه داران و دادن وام های کلان به سرمایه داران ورشکسته بجای اجرای برنامه های وسیع عام المنفعه. |
| بالا رفتن دستمزدها مطابق با بالا رفتن قیمت ها | بالا رفتن قیمت سرسام آور قیمت ها و جلوگیری از افزایش دستمزدها |
| حق کامل اعتصاب برای کارگران و تشکیل سند پگاهای واقعی برای دفاع از منافع خود | مجازات و سرکوبی اعتصابات از طریق احیاء قوانین ضد کارگری و جلوگیری از تشکیل سند پگاهای واقعی، استقرار مجدد سند پگاهای فرمایشی |
| حد اکثر ۴۰ ساعت کار در هفته | هرچه بیشتر بهتر |
| حد اقل یک ماه در سال | سالی ۱۲ روز و یا کمتر |
| لغو مالیات غیر مستقیم بر مایحتاج اساسی مردم - لغو مالیات مستقیم برای کارگران و زحمتکشان - از یاد تصاعدی مالیات بر سرمایه داران و زمینداران بزرگ | افزایش مالیات های مستقیم و غیر مستقیم برای کارگران و زحمتکشان - فرار طبقات صاحب مال از پرداخت مالیات های سنگین از طریق پارتی بازی و رشوه و دستکاری در دفاتر دخیل و خرج |

علیه بیگاری و شرایط نامناسب کار

در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته شده است: "حق استفاده از بیمه بهداشت، درمان، بیگاری، بگیری و از کارافتادگی، حتی است همگانی و دولتست مکلف است بر طبق قوانین با استفاده از درآمد های ملی این بیمه ها را برای یک يك افراد کشور تأمین کند و در این زمینه، کشاورزان، کارگران و گروه های کم درآمد حق تقسیم دارند." بر طبق این قانون، سرمایه داران حق دارند هر موقع که شرایط ایجاب می کند و احتیاجی به استفسار عده ای از کارگران نداشتند آنها را بیرون کنند و حق کار را از آنها سلب نمایند در عرض دولت از بودجه عمومی به بیگاران کمک خواهد کرد. از طرف دیگر بنا بر اصل ۲۹ و سایر مفاد قانون اساسی جدید، در جمهوری اسلامی برای جلوگیری از حوادث ناگوار که هر روز در کارخانه ها به خاطر شرایط غیر انسانی کار و نبودن هیچ نوع وسائل ایمنی - به علت عدم تهیه آن توسط کارفرمایان - رخ می دهد تنها راه حل عرضه شده، موظف کردن دولت به تأمین بیمه درمانی می باشد و هیچ سخنی در رابطه با برطرف کردن این شرایط وحشیانه و غیر انسانی کار گفته نشده است.

هیچکس بهتر از خود کارگران شرایط ایمنی کارخانه ها را درک نمی کند. و به وسائل و احتیاجات ایمنی واقف نمی باشد. باید تمام مدبریت کارخانه ها تحت کنترل خود کارگران قرار گیرد تا شرایط ایمنی و محیط مناسب برای کار بطور واقعی ایجاد گردد. تنها از طریق کنترل کارخانه ها از طرف کارگران می توان ضایع سرمایه داران را تحت الشعاع شرایط انسانی کار قرار داد.

حق کار ابتدائی ترین حق کارگران در جامعه است و باید تضمین شود. سرمایه داری ورشکسته ایران این حق را از میلیونها کارگر سلب نموده و امروز نیز بیش از هر زمان دیگر خطر بهیوستن بخش اعظم کارگران به انبوه گدایان و تهیدستان احساس می شود. مملهارده ها دلار پول نفت و بودجه سرسام آور تسلیحات باید صرف پروژه های عمرانی نظیر ساختن پارک ها، کتابخانه ها، جاده ها، ترمیم روستاها، لوله کشی آب در سطح کشور گردد و در نتیجه برای همه بیگاران، کار ایجاد شود.

اگر سرمایه داران قادر به نگهداری تمام نیروی کار نیستند کارگران به هیچوجه مسئول آن نمی باشند. می باید بجای اخراج کارگران کار موجود را، بدون کسر کردن حقوق، میان آنها تقسیم کنند. کاهش متناسب ساعت کار با پرداخت حقوق کامل، راه مهم مقابله با بیگاری اجباری است.

علیه تورم

در طی سال های گذشته علیرغم بالا رفتن میزان دستمزد، کارگران هیچگاه نتوانسته اند ما محتاج اولیه زندگی را تأمین نمایند زیرا همواره سرمایه داران قیمت ها را سریع تر از



تظاهرات اول ماه مه کارگران در تهران: هیچکس از خواست های کارگران در قانون اساسی جدید منعکس نشده است.

برای اولین بار در تاریخ این مملکت همه مردم از آنچه که تاکنون در پشت سرشان اتفاق می افتاد، آگاه شوند و از تمام کسب و کیف روابط اقتصادی مخفی ای که با کمیته های امپریالیستی ایجاد شده بود، سردرآوردند. اما قانون اساسی جمهوری اسلامی کشف حقایق را غیر قانونی کرده است. باید تمام اسرار معاملاتی امپریالیستی، یعنی کلیه قرارداد های کمیته های امپریالیست با ایران فاش گردد و حساب دخل و خرج کارخانجات و مؤسسات تولیدی در مقابل چشم کارگران آشکار گردد تا میزان چپاول امپریالیست ها و سرمایه داران و سال ها غارت آنها روشن گردد. بدون لغو کلیه اسرار معاملاتی، هرگونه طرح بهبود اوضاع اقتصادی، حتی ابتدائی ترین طرح ها غیر ممکن است.

قانون اساسی سرمایه داران

در قانون اساسی منتشر شده هیچ برنامه ای در رابطه با آموزش رایگان برای همه، حل مشکل مسکن، از بین بردن بیگاری، مبارزه با تورم، بهبود سطح زندگی و رفاه زحمتکشان، و بطور کلی حل مشکلات فزاینده ای که همه کارگران و زحمتکشان با آن درگیر هستند مطرح نشده است.

بود، زیرا تمام برنامه ریزی های اقتصادی سرمایه داران تنها به منظور سودجویی هرچه بیشتر است و در نتیجه نوع و مقدار تولیدات کارخانجات نیز تابع این سودجویی می باشد و به هیچوجه احتیاجات جامعه در نظر گرفته نمی شود. رشد سرمایه داری در ایران همراه با هجوم سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت و صنایع ایران بطور کلی در این رابطه ایجاد گردید. کارخانجات مونتاژ اکثریت کارخانه های عمده ایران را تشکیل می دهند و تماما وابسته به کمیته های امپریالیستی می باشند. فعالیت این کارخانه ها در رابطه با سودجویی سرمایه داران خارجی و شرکای داخلی شان می باشد و به هیچوجه احتیاجات صنعتی کشور را برآورده نمی کند.

معادن ایران نظیر نفت و مس نیز همیشه تحت کنترل کمیته های امپریالیستی بوده است. این کمیته ها همواره از طریق قرارداد های مخفی تمام منابع کشور را غارت کرده اند. مثلا کمیته های نفتی با بستن قرارداد های متعدد، کنترل تمام صنعت نفت ایران را در دست دارند و هیچگاه زحمتکشان این مملکت از چگونگی این قرارداد ها اطلاعی نداشته اند. بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی سلطنت و درهم شکسته شدن تمام ساختمان بوروکراتیک حکومت سرمایه داران شرایطی ایجاد شد که

اساسی اثری از ملی کردن بانک ها چشم نمی خورد و راه را برای پس دادن بانک ها به بانکداران بعد از به جریان افتادن فعالیت های اقتصادی، باز می گذارد.

باید کلیه بانک های کشور بدون پرداخت دیناری غرامت به صاحبان داخلی و خارجی، شان، ملی اعلام گردد و همه آنها در یک بانک واحد ادغام گردد که کلیه فعالیت های آنها تحت کنترل کارمندان بانک ها و در جهت منافع کارگران و زحمتکشان قرار گیرد.

ملی کردن بانک ها باعث سهولت ملی کردن کلیه شرکت های بیمه و تمرکز فعالیت آنها در یک مؤسسه واحد خواهد شد. زیرا هر دو بطور غیر قابل تفکیک درهم منسوج شده اند. ملی کردن شرکت های بیمه بدون پرداخت دیناری غرامت و کنترل واقعی این شرکت ها در دست کارمندان آن، باید برقرار گردد. و این چیزی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی کافی السابق هیچ گونه اشاره ای به آن نشده است.

قانون اساسی و صنایع و معادن

تا زمانی که قدرت اصلی در دست امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ باقی بماند، بالا رفتن سطح زندگی اکثریت عظیم جامعه از طریق صنعتی شدن کشور امکان پذیر نخواهد

| جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی | | |
|---|---|-----------------|
| آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید | |
| افشا کلیه اسرار معاملاتی و باز کردن دفاتر دخل و خرج سرمایه داران | مخفی کردن حساب دخل و خرج و سود سرمایه داران از چشم کارگران | اسرار معاملاتی |
| کلیه صنایع ملی شده و تحت کنترل خود کارگران اداره شود. کلیه بانک ها ملی شده و در یک بانک مرکزی تحت کنترل کارکنان درآید | دادن وام های کلان به سرمایه داران، ملی کردن صنایع و بانک های ورشکسته تحت کنترل مدبران سابق آنها | صنایع و بانک ها |

جامعه، تنها راه صنعتی شدن جامعه است. افتادگی ایران است و ملی کردن صنایع عمده تحت کنترل کارگران تنها طریق کسب استقلال واقعی می باشد. تا موقعی که کلبانی های امپریالیستی، سرمایه داران و بانکداران، آزادانه جواهر کنند سخن از استقلال و پیشرفت عوام فریبی محض است.

رد این قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان برپایه انتخابات آزاد، تنها طریقی است که کارگران و زحمتکش می توانند چنانچه قانون های خود ساخته سرمایه داران، قانون آزادی و رفاه خود را تهیه کنند و راه را برای خروج از نظام غیر انسانی سرمایه داری و قدم گذاشتن در جاده پیشرفت و رفاه سوسیالیستی هموار نمایند.

داران باشد حتی بمنظور نیاز عمومی، غیر قانونی اعلام کرده اند.

سلب مالکیت از امپریالیسم و طفیلی ترین بخش های سرمایه داری تنها راه خاتمه دادن به هرج و مرج اقتصادی و فلاکت های آن است. ملی کردن صنایع و تحت کنترل در آوردن آن توسط کارگران، بدون پرداخت دیاری غرامت بدنیال بانکها، قدمی جدی است در رابطه با خلع بد از امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ و ایجاد شرایطی مساعد برای پیشرفت جامعه و کنترل اقتصاد مملکت در جهت منافع تمام کارگران و زحمت کشان.

بقراری اقتصاد با برنامه یعنی کنترل و برنامه ریزی تولید در جهت احتیاجات همه

اساسی توده مردم - کسانی که بقبول نویسندگان قانون اساسی "حق تقدم" دارند - در این قانون اساسی اثری نیست.

سلب مالکیت از سرمایه داران و امپریالیسم

در اصل ۴۱ پیش نویس قانون اساسی آمده است: "هیچ ملکی را نمی توان به عنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت، مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن". در این اصل، قانون دانان سرمایه داری برای حمایت از جواهر اربابان، که سرورد هجوم انقلاب مردم زحمتکش قرار گرفته، هرگونه اقدامی که فراتر از چارچوب مالکیت سرمایه -

افزایش دستمزدها بالا می برند - و از طریق ایجاد تورم، پول های کلان به جیب می زنند - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایجاد تورم مصنوعی توسط سرمایه داران را قانونی کرده است و هیچ راه حلی برای آن عرضه نگردیده است.

کارگران نمی توانند و نباید بار کمرشکن استثمار وحشیانه سرمایه داری و نجات بخش اقتصادی آن نظیر تورم را بدوش بکشند. اگر سرمایه داری نمی تواند از تورم جلوگیری کند می باید در مقابل افزایش دائمی قیمت ها دستمزدها کارگران نیز بطور متناسب افزایش داده شود. میزان افزایش قیمت ها باید توسط کمیته های منتخب کارگران تعیین و برآورد شود. از هیچکدام از این خواسته های

در قانون اساسی جمهوری اسلامی دهقانان از قلم افتاده اند

فرشته محبی

احتیاج دارند که بر پایه منافع آنها و پایان دادن به زندگی پرریخ و فلاکت و عقب افتادگی آنان متصهد باشد. برای اینکار احتیاج است که اول از همه وضع واقعی روستاها و شرایط زندگی دهقانان مورد بررسی قرار گیرد.

وضع واقعی دهقانان

راه روشن شدن وضع روستاها و کشاورزی، درک شرایط عقب افتاده و فقرزده دهقانان است. در دهات ایران فقر، عقب افتادگی و بیبرائی غوطه می کشد. مردم روستاها را از امکانات اولیه زندگی یعنی بهداشت، بیمارستان، آب، برق، مدرسه، جاده و دیگر مسائل رفاهی محروم هستند. تعداد مرگ و میر در دهات سرسام آور و امکان دستیابی به هرگونه زندگی انسانی غیرممکن است.

۱۶ سال پیش دستگاه سلطنت برنامه اصلاحات ارضی قلابی خود را اعلام کرد و گفت که به تمام روستائیان زمین می دهد ولی در حقیقت بیش از یک سوم روستائیان زمین دریافت نکردند و بهترین زمین های کشاورزی در دست زمینداران بزرگ باقی ماند. بقیه روستائیان هم که صاحب زمین شدند بخاطر وامهای کمرشکن، کم بودن وسعت زمین، فقدان تکنیک، وسائل حمل و نقل و جاده با مجبور به بیگاری برای اقلیت ثروتمند روستا شدند یا شروع به مهاجرت به شهرها نمودند.

در این چهار ماه صادر کرده است. بخشنامه پشت بخشنامه صادر میشود و دهقانانی را که اراضی زمینداران بزرگ و گردن گلفت را تصرف می کنند به فرستادن قوای نظامی، سرکوبی و حبس و زندان تهدید می کند و دست آخر هم برای خالی نبودن عریضه، وجده "عذاب الهی" به آنها می دهد.

قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی نیز که قرار است از طرف "خبرگان" تصویب شود، اساسا دنباله همین سیاست است. در این قانون اساسی حق مالکیت "محموم" شمرده شده است. واضح است که اینجاصحبت از مالکیت دهقان تهنی دست نیست. چون او با اصلا زمینی ندارد و با دارد از یک قطعه زمین کوچک و چند گاو و گوسفند تجاوز نمیکند. مقصود مالکیت زمینداران سرمایه دار، بانکها و شرکت های بزرگ زراعی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، هیچ صحبتی از طرحهای وسیع عمرانی برای پایان دادن به فقر و بدبختی و عقب افتادگی روستا نیست. هیچ صحبتی در باره لزوم کمک های وسیع دولتی برای گذشتن ماشین آلات کشاورزی، کود شیمیایی و پست در دسترس دهقانان نمیشود. تنها نگرانی قانون اساسی جمهوری اسلامی اینست که میاها به "حق" مالکیت زمینداران بزرگ خد شده ای وارد شود.

دهقانان ایرانی به یک قانون اساسی

و منفرد سابق است و همه چیز مثل سابق ادامه می یابد. تشکیل مجلس مؤسسان برپایه انتخابات آزاد یعنی اینکه برای اولین بار روستائی امکان می یابد از زندگی منفرد و عقب افتاده خود جهشی به جلو بردارد. وارد حیات سیاسی و اجتماعی کشور شود، انفراد خود را بشکند و در سرنوشت جامعه سهیم شود. منتفی اعلام کردن در مجلس مؤسسان یعنی اینکه توده عظیم روستائی از دسترس به برنامه های سیاسی مختلف و بحث بر سر مسائلی که با سرنوشت او رابطه مستقیم دارد محروم می شود. سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار می دانند که در صورت تشکیل یک مجلس مؤسسان دموکراتیک، زمینهای آنان و بهره های کمرشکنی که از طریق بانک ها بر کرده روستائی تحمیل کرده اند، به باد فنا خواهد رفت.

روستائیان فقیر چهارماه حکومت سرمایه داری را تجربه کرده اند. دهقانان ترکمن صحرا می دانند که هنگامی که برای پس گرفتن زمین های نصیبی خود دست به کار میشوند نمیتوانند هیچ انتظار دیگری جز گلوله از این حکومت داشته باشند. حالا این قانون اساسی جدید را که این حکومت میخواهد بدون برگزاری مجلس مؤسسان به حلق همه مردم و منجمله دهقانان فرو کند. چیزی جدید نیست جز نوشته کتبی همان روش عملی و همان بخشنامه هایی که دولیت

هیچ چیز به اندازه زندگی فلاکت بار دهقانان ایران، نماینده عقب افتادگی مفرط ایران و نشانه سالها جواهرگیری سرمایه داران داخلی و خارجی و زمینداران بزرگ وابسته به آنان نیست. بیسار سالها فقر و فلاکت و جهل تحمیلی برگردیده این اکثریت عظیم جامعه، انقلاب ما و درهم شکستن سلطنت این امکان را فراهم آورده است که واقعیت زندگی روستائی، آنطور که هست و نه آنطور که حکومت ها همیشه تبلیغ کرده اند - برای اولین بار مطرح شود و برای پایان دادن به این وضع قدم های اساسی برداشته شود.

مجلس مؤسسان که بر پایه انتخابات آزاد تشکیل شده باشد تنها وسیله ای است که میتواند این مسئله را بطور جدی مطرح کند. آنهم نه از زبان "مخخصین" رنگارنگ، بلکه از زبان خود روستائیان از زبان آنهاست که بهتر از همه خبرگان با مشکلات خودشان در روستا آشنا هستند و برای سالها با آن دست بگریبان بوده اند. تنها توده عظیم دهقانان هستند که می توانند مسئله زمین را حل کنند و با اعلام اینکه "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند"، اولین قدم را برای رهائی روستائی از چنگ ارباب، نزول خوار، بانک ها بردارد.

ولی هیئت حاکمه تشکیل مجلس مؤسسان را منتفی اعلام کرده است. یعنی اینکه روستائی محکوم به همان زندگی عقب افتاده

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که هیئت حاکمه سرمایه دار می گوید | آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی |
|---|--|---|
| ادامه تصاحب زمین توسط زمینداران بزرگ و سرکوبی دهقانانی که دست به تصرف زمین های آنان می زنند | سلب مالکیت از زمینداران بزرگ، و اختصاص دادن زمین به کسانی که آنرا می کارند | برنامه اصلاحات ارضی |
| توسط مأمورین منتخب حکومت مرکزی و در جهت منافع اقلیت زمینداران بزرگ و سرمایه داران | توسط کمیته ها و شوراهای منتخب روستائیان فقیر و کارگران کشاورزی، در جهت منافع اکثریت مردم | اداره امور کشاورزی |
| ادامه دریافت این بدی ها | لغو تمامی بدی های روستائیان بابت بهره مالکانه و بدی های آنان به بانک کشاورزی | بدی های روستائیان |
| اعطای وام به زمینداران بزرگ | اعطای وام های ارزان و دراز مدت به دهقانان کوچک و خرده پا | وام به دهقانان |
| کمک های دولتی | فراهم کردن بذور، کود شیمیایی، ماشین آلات کشاورزی، آموزش و تعلیم رایگان برای دهقانان کوچک | کمک های دولتی |
| شرایط بردگی کارگران کشاورزی ادامه پیدا کند | تمام حقوق کارگران صنعتی به کارگران کشاورزی تضمین پیدا کند | حقوق کارگران کشاورزی |
| اوضاع زندگی فلاکت بار ایل نشینان ادامه پیدا کند | اسکان تحمیلی ایل نشینان خاتمه یابد، مناطق ایل نشین توسط خود آنها کنترل شود. به عمران و اقتصاد ایل نشینان توجه مخصوص شود. | وضعیت ایل نشینان |

و در شهرها با تورم سرسام آور، بیگاری و فقر فزاینده روبرو شدند. بعد از برنامه اصلاحات ارضی سلطنت و زمینداران از طریق شرکتی تعاونی روستائی و شرکت های سهامی زرعی شروع به مکیدن خون روستائیان کردند. روستائیان فقیر زیر بار قرض این شرکت ها و رباخواران خرد شدند و کمرشان خورد شد. بدینوسیله روستاها هر روز بیشتر رویه نابودی و ویرانی گذاشت. روستائیان ایران حتی از آن امکانات رفاهی ابتدائی که در شهرها وجود داشت محروم بودند و هنگامیکه به شهرها روی آوردند با فقر و بدبختی بیشتر دست بگریبان می شدند. سرمایه داران و مبلغین آنها همیشه سعی کرده اند واقعیت مهاجرت دهقانان را از طریق رسانه های جمعی و مؤسسات تبلیغاتی خود، دستپاچه کنند. ها و دانشگاه ها وارونه جلوه داده و گناه بریدن دهقانان از دهات را به گردن کشاورزان بی چیز انداخته و روی حقایق و ریشه های ویرانی روستاها سرپوش بگذارند. تا این حقیقت را که تمام ویرانی روستاها و تخریب کشاورزی نتیجه طمع کاری بی پایان سرمایه داران و زمینداران بزرگ است مخفی کنند.

مسئله ارضی

از آنجائیکه سرمایه داری ایران از ابتدای عنوان یک پدیده مستقل از غرب برجسود نیامد، از بدو تولدش خلعت لال منشانه داشت و وابسته به امپریالیسم بود، هیچگاه نتوانست وظایفی را که سرمایه داران در کشورهای پیشرفته صنعتی در عصر محمود سرمایه داری جهانی انجام داده بودند مثل حل مسئله ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان انجام دهد، روابط ماقبل سرمایه داری در جامعه دست نخورده باقی ماند، کشاورزی سرمایه داری و کشاورزی سنتی رعیتی باید یک ترکیب شدند. همزیستی گاواهن و تراکتور بهترین نمونه رشد ناموزون کشاورزی ایران است.

برای بیش از ۷۰ سال است که زمین یکی از منابع سودآور برای سرمایه داران ایران است و در بازار خرید و فروش می شود، به رهن گذاشته می شود و سهم های قرض های فراوانی را تشکیل می دهد در نتیجه تصرف زمین، بمعنای تصرف سرمایه بانکی است و این برای سرمایه داری ام از کشاورزی و صنعتی غیرقابل تحمل و مرگ آور است.

در زمان رژیم مغفوری پهلوی، علاوه بر زمینداران و سرمایه داران مفتخور، ارضیان، زانداورمی و مأموران دولتی نیز به غارت و چپاول روستائیان فقیر می پرداختند. صاحبان شرکت های سهامی زرعی و رؤسای تعاونی های روستائیان هم از این یغما بی بهره نمی ماندند.

جوش و خروش انقلابی برای پایان دادن به زندگی ننگینار تحت سرنیزه سلطنت از شهرها شروع شد. ولی این تحریک بزودی به روستاها هم سرایت کرد. روستائیان که بخاطر شرایط غیرقابل تحمل ده به شهرها آمده بودند و در صفوف بیگاران مبارزه قرار داشتند، از همان اوان وارد مبارزه و تظاهرات شدند. رفت و آمد این روستائیان بین شهر و ده بحث سیاسی و مبارزه جوشی را به روستاهای کشور نیز کشاند. روستائیان از مبارزاتی که در شهرها بر ضد رژیم خودکامه انجام میشد مطلع گشتند، از اینطریق دهقانان نیز به مبارزه علیه زمیندار، مؤسسات دولتی و زانداورمی دست زدند و برای اولین بار در تاریخ ایران جمعیت روستائی با ما هم سیاسی و مبارزه سیاسی آشنا شد.

از وعده و وعید تا سرکوبی

در طی مبارزات خونین مردم با دستگاه سفاک و خونخوار پهلوی که به قیام پیروز شدند بهمن ماه منجر شد تمام سرپوش های جامعه برداشته شد. واقعیات روابط اجتماعی آنطور که هست برای مردم آشکار گردید. دهقانان نیز برای اولین بار توانستند چهره کرمه و عربان زمینداران را ببینند و ریشه ستمیانی را که سالها سال برگرد، خرد تحمل میکردند بشناسند. بدین ترتیب توده عظیم دهقانان برای بدست آوردن حقوق پایمال شده، خود بهیچاقتند، به مبارزه برای بیرون آوردن زمین از چنگ زمینداران انگل صفت و پساداری آنها پرداختند. اما این امر به هیچ وجه خوشایند سرمایه داران و زمینداران نبود. آنها را به تگابو برای جلوگیری از پیشروی دهقانان انداخت. اول از شیوه وسوسه و وعید دادن و دعوت به "تصیر و تحمل انقلابی" داشتن شروع کردند. بعد چوب تکثیر بیرون آمد که تصرف زمین "غیر" خلاف موازین شرع و اسلام است و مطلقاً حرام. سپس بخشنامه های مختلف بود که دولت صادر کرد.

در یکی از این بخشنامه ها که در روزنامه اطلاعات ۱۶ خرداد ماه از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستائی انتشار یافت آمده است که: "به کلیه افرادی که ندانستند عدوان ارضی و تأسیسات متعلق به غیر را به تصرف خود در آورده اند مجدداً و مؤکداً یادآوری می شود که برای اثبات حسن نیت خود راساً بر اساس آراء صادره از کمیسیون های ۵ نفری ارضی نصب شده را تا انقضای مهلت مقرر یعنی تا آخر روز ۱۸ خرداد ماه سال جاری به صاحبان اصلی مسترد کنند. بدیهی است در غیر اینصورت علاوه بر اینکه حلع بد از آنها به عمل خواهد آمد از تمام کسبهای دولت نیز محروم خواهند شد." یعنی هیچیک از محصولات آنها را دولت نخواهد خرید و وام به آنها نخواهد داد. و حتی اگر غاصبین دهقانانی باشند که از طریق اصلاحات ارضی زمیندار شده اند زمینهایشان پس گرفته می شود.

دهقانان با رژیم سلطنت مبارزه کردند تا از زیر یوغ زمیندار و تمام فشار ستمیانی که قبلاً بر آنها می شد رها شوند، دهقانان جنگیده بودند تا این حق که زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند را بدست آورند، آنها میخواستند برای همیشه از زیر بار قرضهای خودکامه آزاد شوند و کمر خود را راست کنند. میخواستند دست زمینداران، ابزار سرکوبگر او یعنی زانداورمی را از زندگی خود کوتاه کنند و از زیر بار قرضهای سنگین و مأموران دولتی رهایی یابند. میخواستند از شرایط بهداشتی و درمانی کافی برخوردار باشند. جاده و وسایل رفت و آمد به شهر داشته باشند. فرزندانشان به مدرسه بروند. و خلاصه به تمام عقب افتادگی ها، فقر، جهل و ویرانی در روستا پایان داده به یک زندگی انسانی دست پیدا کنند. و بسیاری کسب این خواست ها بود که بی اعتنا به مصالح "بدرانه" و تهدیدات دولت سرمایه داران و زمینداران به پس گرفتن زمینهای خود که به زور سرنیزه از آنان گرفته شده بود، پرداختند و این دیگر برای دولت سرمایه داری غیرقابل تحمل بود. در این موقع بود که آخرین حربه خود یعنی قهرخودین و سرکوب را بکار برد. کشتار خلق ترکن صحرا.

کشتار خلق ترکن

جواب سرمایه داری به دهقانان

کشتار وحشیانه خلق ترکن کس

دار و ندارشان بوسیله زمینداران و عوامل رژیم شاه از قبیل ایمنی ها و هزار یزدانی ها به تاراج رفته، خاطره کشتار مردم مبارز را در طول یکسال و نیم گذشته به یاد می آورد. دولت سرمایه داری با این سرکوب وحشیانه نشان داد که در مقابل خواست های زحمتکشان و ستم دیدگان ایران هیچ پاسخی به غیر از گلوله و آتش ندارد.

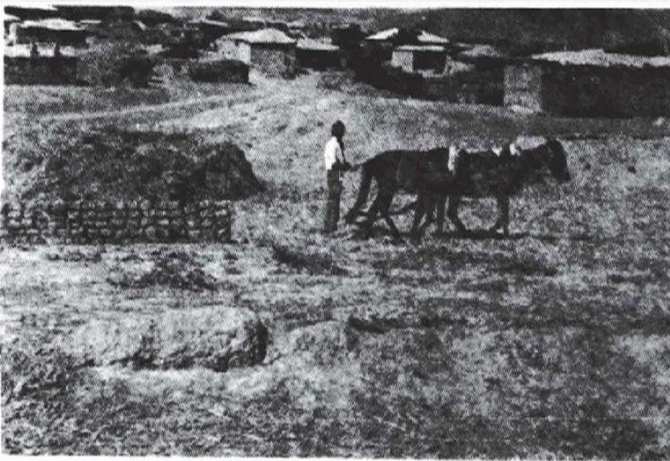
در حال حاضر دولت باید قانون اساسی اقلیت سرمایه دار و ملاکین را به مردم تحمیل کند. در این قانون علاوه عظیم دهقانان و خواست هایشان نادیده گرفته شده است. دولت عزم جزم کرده به هر قیمتی شده از منافع مالکین چپاولگر و خونخوار حفاظت نماید و دهقانان فقیر را ادب کرده دوباره به زندگی زیر یوغ زمیندار، اطاعت از وی و دست اندرکارانش وادار نماید. قانون اساسی جدید از حق مالکیت زمینداران بزرگ دفاع کرده و از تمام وسائل و ابزار کار خویش استفاده می کند تا این مرتجعین خونخوار به استثمار و بهره کشی خود ادامه دهند. از صدور اعلامیه و بخشنامه مبنی بر تهدید دهقانان و سرکوبی و کشتار وحشیانه آنها گرفته تا جلوگیری از حق شرکت آنان برای تعیین قانون اساسی، دولت سعی

عمل کارگران است. پیشنهادات عملی کارگران برای نابودی ظلم و استثمار در روستاها و پاسخ به نیازهای توده های وسیع روستائی از اینقرار است:

۱- زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند. مالکیت زمین باید از تمام مالکین بزرگ و مالکین غایب بدون پرداخت دیناری غرامت سلب شود.

۲- کلیه دین و بدهی های کشاورزان به بانک کشاورزی، سایر مؤسسات متوسط و رباخواران باید لغو گشته و حساب این بانک ها پیش چشم کشاورزان باز گردد. اعتبارات وامهای دراز مدت و بدون بهره در اختیار روستائیان گذاشته شود.

۳- تمام شرکت های کشت و صنعت و زمینهای اوقاف باید ملی گردد، بیین دهقانان فقیر تقسیم شود. با بصورت سزارع تعاونی و اشتراکی تحت کنترل کارگران کشاورزی گذاشته شود. برنامه ملی کردن زمین و اشتراکی کردن کشاورزی باید طوری طرح ریزی شود که از همان اساس کار، امکان سلب مالکیت از کشاورزان خرده پا، و اشتراکی سازی اجباری آنان، از بین برود. کشاورز خرده پا، تا زمانی که خود ممکن و یا لازم تشخیص می دهد، مالک قطعه زمین خود



زمین باید از آن کسی باشد که روی آن کار می کند

خواهد بود.

۴- کلیه حقوق کارگران صنعتی باید به کارگران کشاورزی نیز تعمیم داده شود.

۵- اسکان دادن اجباری ابلنشینان باید متوقف گردد و کنترل مناطق آنها باید بدست خودشان سپرده شود.

۶- اداره امور کشاورزی باید از طریق ارگانهای دموکراتیک حلی از قبیل کمیته های دهقانی و شوراهای اداره شود. همچنین اداره کلیه امور کلیه شرکت های سهامی زرعی و تعاونی های روستائی باید توسط خود دهقانان صورت بگیرد. دهقانان حق دارند کسانی را که خود روی زمینشان کار نمیکنند از این شرکت ها اخراج کنند.

۷- دولت باید هرچه وسیع تر در راه باز سازی روستاها و ایجاد امکانات رفاهی و بهداشتی در آن قدم بردارد. وسایل ضروری زندگی از قبیل آب، برق، بیمارستان، مدرسه، جاده و وسایل رفت آمد بهتر را در اختیار روستائیان قرار دهد و کلیه امکانات شهری را به روستاها تعمیم دهد.

۸- دولت باید ماشینهای کشاورزی، کود شیمیایی و بذارزان در دسترس دهقانان بگذارد و برنامه های وسیع آبیاری مصنوعی و خدمات بازاریابی را بگنجد و به مرحله اجرا درآورد.

می کند روابط بوسیده در روستاها برقرار ماند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که هیچ ملکی را نمی توان بعنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن. بدین ترتیب حق مالکین غارتگر را برای به بند کشیدن دهقانان فقیر قانونی اعلام شده و تصریح گردیده که کسی حق ندارد به حریم اینفقوران یزد یک شود. یعنی از این بعد بازم یک اقلیت کوچک که هیچ کاری روی زمین انجام نمی دهد و عاطل و باطل از نیروی کار دیگران استفاده می کند به حکمرانی بر زندگی دهقانان و کنترل آنان و زمینشان ادامه خواهد داد.

لکن همه تهدید و ارعاب ها و سرکوبی های دولت، دیگر قادر نیست دهقانان را به زندگی برده وارد گشته براند. اقدام دهقانان ترکن صحرا برای تصاحب زمین راه را به کلیه کشاورزان فقیر نشان داد. روشن ساخت که تنها راه حل برای پایان دادن به شرایط اسفناک روستاها و از بین بردن میراث قرنهای فقر و عقب افتادگی ضبط و تصرف زمینهای زمینداران بزرگ بدون سپرداخت دیناری غرامت و کنترل کشاورزی بوسیله دهقانان از طریق ارگانهای دموکراتیک خودشان است. تنها راهی که دهقانان از طریق آن می توانند به کلیه خواست های خود دست پیدا کنند و از موقعیت مادون انسانی خود رهایی یابند اتحاد و تشکیل بدویرنامه

قانون اساسی جمهوری اسلامی

حق تعیین سرنوشت خلق‌های تحت ستم را نقض می‌کند

حسین تنوی

فارس دخالت نداشته است. آیا چند بسن میلیون آذربایجانی ایران به زبان فارسی صحبت می‌کنند؟ چندین میلیون کرد، عرب، بلوچ و ترکمن به زبان فارسی تکلم می‌کنند؟ زبان مشترک مردم ایران فارسی است؟ آیا این توهین و تحقیر جدی به آذربایجانی، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن ایران نیست؟ در اینجا دوباره هیئت حاکمه سرما پداری می‌خواهد فرهنگ فارس را بزور بر ملت‌های تحت ستم تحمیل کند.

زبان، فرهنگ و مذهب

همه مردم ایران بخاطر دارند که یکی پایه‌های اصلی تبلیغات رژیم سلطنت، همان "آریا" بازی رضاخان و پسرش بود که با انکار وجود هرگونه فرهنگ و زبان و تاریخ غیرفارس، اصلاً هیچگونه حق زبستی برای زحمتکشان غیر فارس قائل نبودند. این سرمایه داری جهانی و امپریالیسم به رضاخان یاد داده بود که سلطنت خود را برپا به ایجاد نفاق بیس خلق‌های مختلف ایران بنا کند. یعنی در حالیکه بر کرده کارگر و زحمتکش فارس سوار است و خون او را می‌کشد، از زبان و فرهنگ فارسی چماقی برای خفه کردن صدای ترک، کرد، بلوچ و عرب و غیره بسازد و حتی وجود خلق‌های دیگر را انکار کند. این تبلیغات نژاد پرستانه و شوونیستی هیچ رابطه‌ای با سنن مبارزاتی و کارگران و زحمتکشان تمام ایران و همبستگی طبقاتی آنان ندارد و از نیازهای ادامه سلطه امپریالیسم و احتیاجات سرمایه داری ایران سرچشمه گرفته است. یکی از تکالیف اصلی انقلاب ما اینست که برای همیشه بر این کار خط بطلان بکشند و تبعیض و سرکوبی بخاطر ملت، زبان و نژاد و فرهنگ را غیرقانونی اعلام کنند. چه کسی غیر از سرمایه داران از تحمیل یک زبان رسمی غیرمادری و انکار حق اولیه ملت‌های ستمدیده برای استفاده از زبان مادری خود، بعنوان زبان رسمی آن‌ها، استفاده می‌بندد؟ برای سالها سرمایه داری بالکد مال کردن زبان و فرهنگ ملت‌های ستمدیده، کارگران و زحمتکشان ملت‌های ستمدیده را از دسترسی به امکان فائق آمدن بر عقب افتادگی اقتصادی محروم ساخته و در میسان صفوف طبقه کارگر ایران نفاق انداخته است. کارگران هیچ منفعتی در برپا نگه داشتن این



تظاهرات خلق عرب در محرمه (خرمشهر): قانون اساسی جدید هیچ حقی برای ملت‌های تحت ستم قائل نشده است.

خود در سرنوشت خود دخیل باشیم. مقامات و رهبران خودمان را از میان خودمان انتخاب کنیم، دادگاه‌ها میان خودمان باشد و در آن به زبان خود ما صحبت شود. مأموران انتظامی ما مثل گدشته لشکر اشغالگر نباشد که از نقاط دیگر می‌آید و با ما مثل اتباع بیگانه رفتار می‌کند. بلکه از بین خود ما و منتخب خود ما باشد.

چه خواستی می‌تواند از این خواست‌ها برحق تر باشد؟ آیا انقلاب ما که سلطنت ۵۰ ساله خودکامی و قهر امپریالیسم را سرنگون کرد، نباید به یکی از جنبه‌های اصلی این سلطنت وحشی که همان ستم ملی، تحقیر و توهین به شعائر ملی خلق‌های غیرفارس ایران است خاتمه دهد؟ گمانیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی را نوشته‌اند به این سؤال صریحاً جواب منفی داده‌اند: به اصل ۲۱ این قانون توجه کنید: "زبان فارسی و خط مشترک مردم ایران فارسی است و متون و مکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان‌های محلی در مدارس و مطبوعات محلی آزاد است." آنچه که در وهله اول از این اصل بر می‌آید اینکه در نوشتن این قانون اساسی، هیچ نماینده‌ای از خلق‌های ستمدیده غیر

ملت‌های ستمدیده، عالی‌ترین نشانه حفظ و حیات همه آن آداب و سنن استبداد آسیایی، همه آن عقب‌افتادگی، همه آن روابط زنگ زده دوران تاریکی بربریت و خشونت شرقی در جامعه کوفی ما است.

خواست اصلی که خلق‌های تحت ستم ایران دارند و تاکنون از طرف کردها، عربها و ترکمن‌ها مطرح شده است، حق خورد و مختاری است. یعنی اینکه این خلق‌ها می‌گویند برای ۵۰ سال رضاخان و پسرش بدستور امپریالیست‌ها ما را سرکوب کرده‌اند، زبان مادری ما را غیر قانونی اعلام کرده‌اند، حق دانستن فرهنگ و تاریخ ما را از ما گرفته‌اند، مقامات دولتی، رتشی قضائی و غیره که همگی از طرف حکومت مرکزی تبهبران اعزاز می‌شوند، از ما نیستند، حتی زبان ما را نمی‌فهمند تا چه رسد به مسائل و مشکلات ما.

این خلق‌ها می‌گویند حالا که بشکرانه انقلاب آزاد بیخشن ایران شاه و شاه‌سازی و چماق و سرنیزه اش از پشت گردن مردم ایران برداشته شده، ما هم باید به حقوق حقه خود برسیم. یعنی نه تنها آزادی زبان و فرهنگ و حق ترویج زبان و فرهنگ و انتشار روزنامه به زبان مادی خود داشته باشیم، بلکه بتوانیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی در باره خلق‌های تحت ستم ایران - کرد، بلوچ، عرب، آذربایجانی و ترکمن - چه می‌گوید؟ این قانون اساسی در دوره‌ای که پسر اشتر انقلاب ایران، شکوفائی ملی و فرهنگی این خلق‌ها آغاز شده، هیچ اشاره‌ای به نیم قرن ستم ملی دوران سلطنت پهلوی نمی‌کند، حتی از بودن نام واقعی این خلق‌ها خودداری کرده و با تحقیر آنان را "اقوام" ایران خطاب می‌کند.

در اصل ۵ این قانون اساسی آمده است: "در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظائر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچکس را بر دیگری امتیازی نیست، مگر بر اساس تقوا".

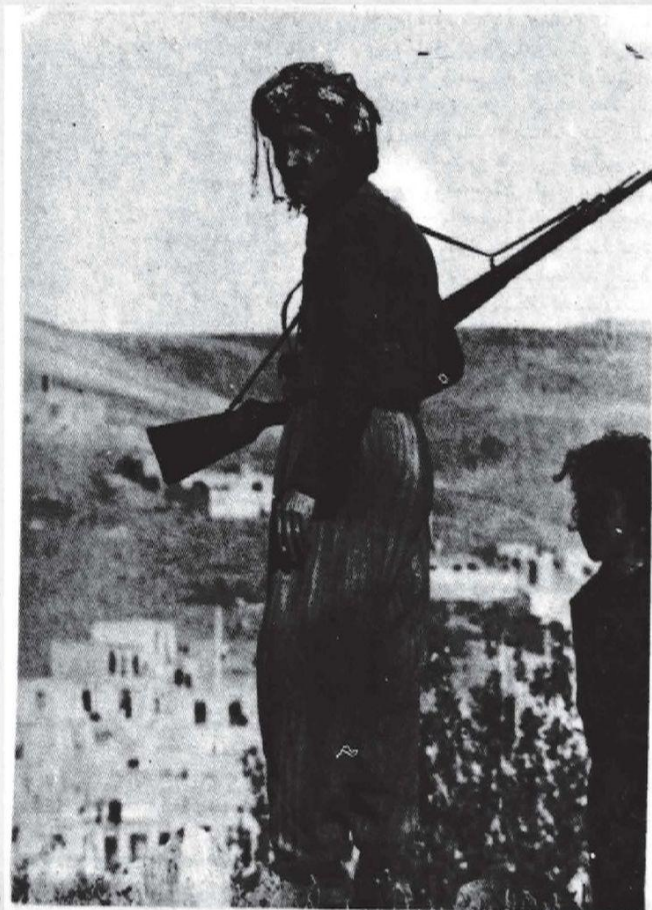
این تنها اصلی از قانون اساسی منتشر شده است که در آن جمله‌ای درباره ملت‌های ستمدیده ایران (البته تحت نام "اقوام") برده شده است. این قانون اساسی در باره خواست‌های اعلام شده خلق‌های کرد، ترکمن و عرب مطلقاً سکوت اختیار کرده است. این خواست‌ها که طی میتینگ‌ها، تظاهرات و از طریق نمایندگان و رهبران این خلق‌ها اعلام شده، همه موجود است و به اطلاع دولت و مقامات مذهبی رسیده است.

مسئله رهایی ملت‌های ستمدیده ایران از یوغ ستم ملی، از مسائل اساسی انقلاب حاضر است. مبارزات آزاد بیخشن خلق‌ها یکی از ارکان اساسی و تفکیک‌ناپذیر مبارزه ضد امپریالیستی در ایران را تشکیل می‌دهد. گسترش و پا گرفتن مبارزات ملت‌های تحت ستم، همواره کلیه نیروهای مترجم ایرانی و امپریالیستی را متوحش ساخته است. تمام تاریخ جدید نشان داده است که چگونه قدرت انقلابی جنبش ملت‌های تحت ستم مسئله مرگ و زندگی برای سرمایه داران و زمینداران ایران و اربابان امپریالیست‌ها را طرح کرده است.

سرمایه داران در ایران همواره عامل ستم بر این ملت‌ها بوده‌اند، همواره علیه این ملت‌ها سم پاشی کرده‌اند و برای سرکوبی آنان توطئه کرده‌اند. از طریق این اسلحه، سرمایه داران استثمار بر توده عظیم مردم کارگر را شدید تر و خشونت‌بارتر کرده‌اند. سرکوبی حقوق و فرهنگ ملی مردم

جدول تقابل مواضع هیئت حاکمه سرمایه‌دار و مواضع جنبش کارگری و سوسیالیستی

| آنچه که هیئت حاکمه سرمایه‌دار می‌گوید | آنچه که قانون اساسی انقلابی باید بگوید | حق تعیین سرنوشت |
|---|---|-----------------|
| سرکوبی مبارزات ملت‌های ستمدیده تحت لوای مبارزه با "تجزیه طلبی" | برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملت‌های تحت ستم | زبان |
| اعلام آزادی زبان مادری در حرف ولی توقیف نشریات به زبان‌های ملت‌های ستمدیده در عمل. اعلام زبان فارسی بعنوان "زبان رسمی" و جلوگیری از استفاده از زبان مادری در ادارات دولتی و دادگاه‌ها | آزادی کامل زبان مادری، انتشار کتب و نشریات این زبان، کمک‌های دولتی برای از بین بردن بیسوادی و تعلیم، و تحصیل رایگان به زبان مادری. استفاده از زبان مادری در تمام ادارات و دادگاه‌ها در سرزمین ملت‌های ستمدیده | حکومت‌های محلی |
| انتصاب رؤسا، استانداران و فرمانداران از مرکز | استقرار حکومت‌های منتخب محلی از بین خود ملت‌های ستمدیده و از طریق انتخابات آزاد | عمران و آبادی |
| استثمار منابع طبیعی و نیروی انسانی در سرزمین‌های ملت‌های ستمدیده بدست سرمایه داران و زمینداران بزرگ. ادامه عقب‌افتادگی اقتصادی | اجرای برنامه‌های وسیع عام المنفعه دولتی از قبیل مسکن، جاده‌سازی، ایجاد مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها برای جبران نیم قرن ستم ملسی و عقب‌افتادگی اقتصادی | |



سیستم تفرقه افکن ندارند. آنان میخواهند از طریق از بین بردن ستم ملی و تمام جنبه های فرهنگی و اقتصادی آن، برابری، مساوات و در نتیجه اتحاد در بین صفوف خود را برقرار کنند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی از طریق اعلام مذهب شیعه بعنوان مذهب رسمی، به جنبه دیگری از ادامه همان ستم و تبعیض رضاخانی علیه ملیت های غیر شیعه، جنبه قانونی می بخشد.

جراخات های ترحم ستم به مجلس مؤسسان احتیاج دارند؟

آزادی ملیت های ستمدیده، تنها بدست خود این ملیت ها و از طریق مبارزه خودشان میتواند حاصل شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین مبارزه ای را غیرقانونی اعلام کرده است.

دلیل اینکه چرا قانون اساسی اینطور درباره خلق های تحت ستم رفتار می کند و در حقیقت هیچ چیز جز طمع و بوی همان برنامہ سرکوب ملی آریامهری از آن بلند نمی شود، اینست که این قانون اساسی سرمایه داری در ایران است. سرمایه داری در هیچ کجای دنیا قادر نیست حق خلق های ستمدیده را به آنها بدهد. در خود آمریکا، این مرکز اصلی امپریالیسم جهانی، تبعیض و نژادپرستی علیه ۲۰ میلیون سیاه آن کشور روز بروز شدت و جدت می یابد. سرمایه داری ایران، با آن ضعف و زبونی اش قادر نیست چیزی بهتر از این به خلق های تحت ستم ایران عرضه کند. سرمایه داران ایرانی احتیاج دارند برای ادامه 'استثمار کارگر و زحمتکش عرب، کرد، بلوچ، ترک و غیره' او را از همه حقوق ملی اش محروم کنند. زبان او را ببرند تا بتوانند او را در پائین ترین رده های زندگی اقتصادی جای داده و خونش را براحی بکنند. آنچه که در قانون اساسی جدید درباره خلق های تحت ستم نوشته شده (صحیح تر است گفته شود که نوشته نشده) ربطی به خوبی یا بدی یا سو نیست این و یا آن نویسنده این سند ندارد. این سند منعکس کننده نیازهای اساسی سرمایه داری است و بخش مهم و بسیار بزرگی از این نیاز نیز حفظ همان سیستم ستم ملی رضاخانی و جلوگیری از سقوط دیوارهای زندانی است که پیش از ۵۰ سال است امپریالیسم و سلطنت خلق های تحت ستم را در آن محبوس کرده اند.

انبات این نکته در منتهی اعلام کردن مجلس مؤسسان است. مجلس مؤسسانی که برپایه انتخابات آزاد و نمایندگان واقعی همه مردم ایران، منجمله خلق های تحت ستم تشکیل شود، بعنوان اولین قدم خود، ستم ملی و تمام جنبه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن را غیرقانونی اعلام خواهد کرد. مجلس مؤسسان باید برپایه شرکت نمایندگان انتخابی ملیت های تحت ستم تشکیل شود.

برنامه ریزی شده واحد است که می توانست امکانات لازم را در چنین مسیری فراهم کند. چنین کاری نیست بلکه برعکس چون از طریق پائین آوردن سطح زندگی همه کارگران و زحمتکشان است که می تواند به استثمار و چابول خود ادامه دهد. به عقب افتادگی اقتصادی ملیت های ستمدیده دامن زده و نابرابری و در نتیجه نفاق بین صفوف کارگران و زحمتکشان را تشدید می کند.

سرمایه داری، از طریق قانون اساسی جدید ش نشان داده که جز حفظ زندانی که سلطنت برای ملیت های ستمدیده ایران ساخته و جز پراکندن نخم نفاق و نابرابری بین زحمتکشان ایران چیزی در چنته ندارد. قانون اساسی سرمایه داران نشان می دهد که برقراری اتحاد و اخوت در بین صفوف همه ستمدیدگان ایران، تنها در مبارزه همه کارگران و زحمتکشان ایران برای قدم گذاشتن در جاده سوسیالیسم امکان پذیر است.

سوسیالیسم و آزادی ملی

سرکوبی زبان و فرهنگ ملیت های غیر فارس در ایران تنها یک جنبه از ستم عمیق و ریشه داری است که در طی نیم قرن گذشته بر این ملیت ها روا شده است. مناطق سکونت این ملیت ها، از نظر وضع اقتصادی و سطح زندگی کارگران و دهقانان، عقب افتاده ترین نقاط کشور را تشکیل می دهد. سرمایه داری ایران قادر نیست که به این وضع خاتمه دهد و برای پایان دادن به زندگی فلاکت بار زحمتکشان این ملیت ها قدم های اساسی بردارد.

برای ریشه کن کردن ستم ملی و برقراری برابری و مساوات بین کلیه کارگران و زحمتکشان، لازم است که فوراً برنامه های عمرانی وسیعی از طرف دولت مرکزی برای عمران مناطق ملیت های ستمدیده و جبران بی توجهی های گذشته به مرحله اجرا گذاشته شود. این کار تنها از طریق یک سیستم برنامه ریزی سرسری می تواند تحقیق یابد. تنها یک اقتصاد

همه می دانند که چگونه رهبران دولتی و مذهب داری در جواب خواست های خلق کردند، می گفتند که البته درباره حق خود مختاری مجلس مؤسسان تصمیم خواهد گرفت و همه خواست های خلق کرد را مجلس مؤسسان برآورده خواهد کرد. هنوز صدای همین آقای طالقانی و همان وزیر سابق کشور که این نغمه را مرتباً در گوش مردم کرد می خوانند، فراموش نشده است. مجلس مؤسسان چه شد؟ آیا این وعده و وعیدها چیز دیگری جز وقت خریدن برای حکومت سرمایه داران و وشیره مالیدن بر سر زحمتکشان کرد نبود تا بشبان نانک و سلسل و فانتوم جمع کرده و به سراغ مردم ندهد رفت؟

اصولاً یکی از حرف های اصلی حکومت خمینی - بازگان برای اینکه بتواند وجود خود را از نظر قانونی توجیه کند، این بود که تمام اقدامات ما "موقتی" است و مجلس مؤسسان درباره همه مسائل و منجمله حق خود مختاری ملیت های ستمدیده تصمیم می گیرد. پس مجلس مؤسسان چه شد؟

در مقابل خوف و وحشت رژیم سرمایه داری از تشکیل مجلس مؤسسان منتخب مردم، ملیت های ستمدیده ایران به تشکیل چنین مجلسی نیاز مبرم دارند. تنها از طریق چنین مجلسی است که نمایندگان واقعی و منتخب این ملیت ها خواهند توانست خواست های خود را به گوش همه کارگران و زحمتکشان ایران برسانند. تنها چنین مجلسی است که می تواند و باید حق تعیین سرنوشت این ملیت ها را تضمین کند و به خواست کنونی آنان مبنی بر کسب حق خود مختاری جواب مثبت بدهد. لکن اکنون روشن شده است که هیئت حاکمه چنین مجلسی را نمی خواهد. تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک اکنون در گروی مبارزه و شکل همه کارگران و زحمتکشان در ایران است. در این میان ملیت های ستمدیده از طریق سازمان ها و تشکلات خود می توانند نقش بسیار مهمی را در این مبارزه ایفا کنند.

قانون اساسی جدید جواز دهن آزادی زنان است

برون نجفی

اساسی جمهوری اسلامی این نکته را کاملاً اثبات خواهد کرد. این قانون اساسی حقوق حقه زنان، این ستمدیده ترین نیمه جامعه ما را منکوب و سرکوب می کند.

قانون اساسی و ازدواج

اصل یازدهم و دوازدهم و بیست و دوم پیش نویس قانون اساسی در مورد حقوق زن

رسانه های جمعی اعلام میشد که حقوق زن در جامعه محدود و تفرقی دارد و باید با در نظر گرفتن "محدود پهنای طبیعت زن" باشد. ولی انتشار پیش نویس قانون اساسی نه تنها دلهره و نگرانی زنان آزاد بخواه ایرانی را برطرف نکرد، بلکه برعکس نشان داد که این قانون اساسی اصولاً برپایه صحت گذاشتن بر نابرابری مرد و زن در اجتماع و برای مسدود کردن راه زنان در مبارزه برای آزادی نوشته شده است. گاهی به چند اصل قانون

می دیدند. در مقابل توب، نانک و سلسل، میلیونها زن و مرد ایرانی برای ریشه کن کردن هر نوع ستم، نابرابری و ظلم از این جامعه عهدخون بستند. پس از سرنگونی سلطنت و روی کار آمدن حکومت کنونی وعده وعیدهای متضادی از جانب مقامات دولتی و مذهبی به زنان داده شد. از یک طرف گفته میشد که جمهوری اسلامی حقوق کاملاً مساوی به زن و مرد عطا خواهد کرد و زنان حتی می توانند رئیس جمهور بشوند و از طرف دیگر از

بالاخره پس از ماهها نگرانی و نشوینش برای میلیونها زن ایرانی که آیا حکومت اسلامی حقوق مساوی برای زنان را در رگلیه شئون اجتماعی محترم خواهد شمرد و یا نه، متن پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی منتشر شد. نگرانی و دلهره زنان بی جهت نبود. زنان ایرانی در صفوف میلیونها مبارزه علیه سلطنت پهلوی پیوستند. چرا که بحق رژیم سلطنتی را بانی و باعث تمام مظالم، نابرابری ها و ستمهایی که در جامعه وجود دارد،